

" بسم الله الرحمن الرحيم "

" مبانی مدیریت زمان "

از

" منظر اسلام "

تحقیق: دکتر ولی الله نقی پورفر

عضو هیئت علمی دانشگاه قم

v-naghipoor@qom.ac.ir

"بسم الله الرحمن الرحيم"

"مبانی مدیریت زمان از منظر اسلام"

فهرست اجمالی مطالب:

چکیده و کلید واژه ها

- (۱) ادبیات موضوع و اصول مرتبط
 - (۲) مبانی مدیریت زمان از منظر اسلام
 - (۳) پیش نویسی از راهکارهای اجرایی پیشنهادی
- فهرست منابع

فهرست تفصیلی مطالب:

چکیده و کلید واژه ها

(۱) ادبیات موضوع و اصول مرتبط :

۱/۱. ادبیات موضوع:

۱/۱/۱. مفاهیم اساسی:

۱/۱/۱/۱ . مبانی

۲/۱/۱/۱ . مدیریت زمان

۳/۱/۱/۱ . منظر اسلام

۲/۱/۱ . اهمیت و جایگاه مبانی و سیاستهای کلان مدیریت زمان ، در مدیریت ، سازمان و جامعه اسلامی :

۳/۱/۱ . فقدان مبحث مبانی و سیاستهای کلان مدیریت زمان در ادبیات علم مدیریت :

۲/۱ . اصول مرتبط:

۱/۲/۱ . ساحت مادی – ملکوتی انسان :

۲/۲/۱ . ساحت مادی در خدمت ساحت ملکوتی : جسم، مرکب روح ؛ رابطه متقابل جسم و روح :

۳/۲/۱ . رابطه اسلام و رفاه و سعادت دنیوی:

۴/۲/۱ . ارتباط مستقیم تحولات شبانه روزی طبیعت با ساحتهای انسانی :

۵/۲/۱ . مراتب دیانت :

۱/۵/۲/۱ . دیانت مسلمین : الزامات فقهی و حقوقی : مقید به احکام ، مریض القلب ، منافق :

۲/۵/۲/۱ . دیانت مومنین : الزامات اخلاقی + فقهی – حقوقی : مومنین ، مدیریت فرهنگی و اجرایی :

۳/۵/۲/۱ . دیانت محسنین (اهل یقین): (الزامات عرفانی+ اخلاقی + فقهی – حقوقی) : علمای ربانی و معصومین (ع) :

۶/۲/۱ . اصل وجوب بستر سازی و ایجاد فرصت فردی و تشکیلاتی، برای تحقق فضیلتها و رفع موانع از آن : (اصل آخرتگرایی) :

۷/۲/۱ . اصل تقسیم اوقات شبانه روزی به اشتغال دنیوی و آخروی:

۸/۲/۱ . اصل جایگزینی زمان فعالیتها در شرائط ضرورت فردی و تشکیلاتی :

(۲) مبانی مدیریت زمان از منظر اسلام:

مقدمه : قرابت مفهومی مبانی با سیاستگذاری کلان و ارائه الگو

۱/۲ . مبانی و الگوی شبانه روزی و هفتگی مدیریت زمان از نظر اسلام:

۱/۱/۲ . الگوی زمانی امور معنوی :

۱/۱/۱/۲ . اوقات نماز :

۲/۱/۱/۲ . اوقات تلاوت قرآن ، دعا و مناجات ، محاسبه و تهذیب نفس ، و تفکر خلاق :

- ۱/۲/۱/۱/۲. مابین الطوعین : از طلوع فجر تا طلوع آفتاب :
- ۲/۲/۱/۱/۲. قبل از غروب : بعد از عصر تا غروب (حدود يك ساعت) :
- ۳/۲/۱/۱/۲. بعد از نیمه شب ، خصوصا، ثلث آخر شب :
- ۲/۱/۲. الگوی زمانی اشتغال و رفع نیازهای معیشتی :
- ۱/۲/۱/۲. قبل از ظهر: از طلوع آفتاب تا حداکثر نیم ساعت به ظهر:
- ۲/۲/۱/۲. بعد از ظهر : ۱/۵ الی ۲ ساعت بعد از اذان ظهر (پس از نماز ظهر و عصر، نهار و استراحت) تا نیم الی يك ساعت و نیم به غروب :
- ۳/۱/۲. الگوی زمانی استراحت و تمدید قوا:
- ۱/۳/۱/۲. از ثلث دوم شب تا قبل از فجر :
- ۲/۳/۱/۲. خواب قیلوله نیم ساعتی قبل از ظهر:
- ۳/۳/۱/۲. استراحت نیم تا يك ساعته بعد از ظهر، پس از نماز و نهار:
- ۴/۱/۲. الگوی زمانی ارتباطات انسانی غیر شغلی :
- ۱/۴/۱/۲. اوقات میان هفته فیما بین نظامات زمانی معنوی ، و مادی :
- ۲/۴/۱/۲. تعطیلی شغلی روزهای جمعه و برنامه های جایگزین :
- ۵/۱/۲. نحوه هماهنگی نظام کلی مدیریت ساعات شبانه روزی اسلامی ، با دول دیگر ، در شرائط اختلاف افق :
- ۲/۲. مبانی و الگوی سالانه مدیریت زمان از منظر اسلام :
- ۱/۲/۲. الگوی زمانی تهذیب نفس و ... ، و تقلیل یا حذف اشتغال معیشتی :
- ۱/۱/۲/۲. روزه ماه رمضان :
- ۲/۱/۲/۲. شبها و روزهای قدر :
- ۳/۱/۲/۲. روز عرفه از ظهر تا غروب :
- ۴/۱/۲/۲. اعیاد مذهبی : فطر ، قربان ، غدیر ، شعبان و ... :
- ۵/۱/۲/۲. اعیاد ملی - مذهبی : نوروز ، ۲۲ بهمن ، ۱۲ فروردین ، و ...
- ۲/۲/۲. الگوی زمانی استراحت شغلی سالیانه : متناسب با اقتضاعات و عرف رایج

(۳) پیش نویسی از راهکارهای اجرایی پیشنهادی:
۱/۳. کوتاه مدت :

- ۱/۱/۳. فرهنگ سازی در رسانه ملی، مراکز آموزشی، سازمانها، خانواده ها و مراکز عمومی
- ۲/۱/۳. اصلاح نظام ساعات اشتغال بر مبنای الگوی اسلامی:
- ۱/۲/۱/۳. اعضای اتاق های فکر : شورای عالی انقلاب فرهنگی ، مجمع تشخیص مصلحت نظام ، شورای نگهبان ، مجلس شورای اسلامی و...
- ۲/۲/۱/۳. اساتید دانشگاهها و دانشجویان ارشد و دکترا
- ۳/۲/۱/۳. مدیران ارشد، مدیران ستادی
- ۲/۳. میان مدت :
- ۱/۲/۳. فرهنگ سازی در رسانه ملی،...
- ۲/۲/۳. اصلاح نظام ساعات اشتغال بر مبنای الگوی اسلامی :
- ۱/۲/۲/۳. کارشناسان و دانشگاهها
- ۲/۲/۲/۳. مدیران اجرایی
- ۳/۳. دراز مدت : عموم مراکز دولتی و خصوصی :
- ۱/۳/۳. مدارس
- ۲/۳/۳. صدا و سیما و ...
- ۳/۳/۳. ادارات ، شرکتهای ، کارخانجات و کارگاهها
- فهرست منابع :

" مبانی مدیریت زمان از منظر اسلام "

چکیده :

از آنجا که انسان در بینش اسلامی ، انسان با هویتی واحد ، موجودی دو ساحتی مادی معنوی (ملکی- ملکوتی) است ، مجموعه فعالتهای شبانه روزی فرد مسلمان ، تحت نظام خاصی تقسیم بندی شده است؛ به گونه ای که بر اساس آن ، بیشترین بهره وری (کارایی و اثربخشی) در حوزه ساحت مادی معنوی از قبیل فعالتهای انسان مؤمن برای او حاصل می گردد ؛ حال آنکه ، نظام فعلی تقسیم اوقات شبانه روزی در جمهوری اسلامی ، فاقد اثر بخشی حداقل و فاقد دفاع عقلی تجربی و دفاع شرعی می باشد .

بر اساس مبانی مدیریت زمان از منظر اسلام ، ابتداء ، تدبیر خرده نظام ساعات فعالتهای معنوی رقم می خورد ؛ سپس ، در پرتو آن ، خرده نظام ساعات اشتغال را تعریف و مقرر می گردد و در ذیل این دو ، خرده نظامهای اوقات استراحت و تجدید قوا ، و ارتباطات غیر رسمی و امور شخصی جامعه دینی ، سامان می یابد .

کلید واژه ها : مبانی ، مدیریت ، زمان ، اسلام .

(۱) ادبیات موضوع و اصول مرتبط :

پیش نیاز تبیین مبانی ویژه مدیریت زمان از منظر اسلام ، نیازمند ، تبیین ادبیات موضوع ، و تبیین اصول مرتبط می باشد که در ذیل آمده است :

۱/۱. ادبیات موضوع:

در این بخش ، مفاهیم اساسی ، اهمیت و جایگاه مبحث در حوزه مدیریت اسلامی، و تذکر به فقدان این مبحث در ادبیات علم مدیریت ، مورد بحث می باشد :

۱/۱/۱. مفاهیم اساسی : مبانی ، مدیریت زمان ، منظر اسلام :

مفاهیم مبانی ، مدیریت زمان، منظر اسلام، مفاهیم اساسی نیازمند تبیین در این موضوع می باشند :

۱/۱/۱/۱. مبانی :

مقصود از " مبانی " ، در این مبحث، پیش فرضهای اساسی و ویژه جهت مدیریت زمان شبانه روزی می باشد که به نوعی این پیش فرضها از سنخ سیاستگذاری راهبردی و ارانه الگو برای طرح و برنامه تفصیلی مدیریت زمان فعاليتها در شبانه روز خصوصا تعریف نظام ساعات اشتغال می باشد ؛ بعبارت دیگر "مبانی" ، همان "سیاستهای کلان" برای "راهکارهای اجرایی مدیریت زمان" در سطح فرد ، گروه ، سازمان، و حاکمیت می باشد؛ و لیکن غرض اصلی و مؤکد مقاله تبیین رسالت حاکمیت اسلامی در این حوزه می باشد .

۲/۱/۱/۱. مدیریت زمان :

مقصود از " مدیریت زمان " ، تقسیم بندی اوقات شبانه روزی ، و تدبیر نوع فعالیت و چگونگی انجام آن ، در فرصت زمانی معین می باشد ؛ به نحوی که بیشترین بهره وری (کارایی و اثربخشی) را برای فرد و سازمان ، و جامعه و نظام ، پدید آورد.

۳/۱/۱/۱ . منظر اسلام :

" منظر اسلام " نظر به رهنمودهای قرآن و روایات ، و عقل در طول قرآن و سنت معصومین (ع) دارد ؛ که ناظر به ساحت مادی و معنوی انسان می باشد ؛ و دستاورد آن بیشترین بهره وری مادی و معنوی ، برای حیات انسانی و الهی است.

۲/۱/۱ . اهمیت و جایگاه مبانی مدیریت زمان ، در مدیریت ، سازمان و جامعه اسلامی :

" اصول اعتقادات ، اصول اخلاق و اصول احکام " ثابتات و ضروریات اولیه اسلام می باشند ؛ لذا پایه و مبنای عام سرزمینی تمام تلاشهای اجتهادی دینی در تمام گرایشهای الهیات و علوم انسانی و حتی علوم تجربی طبیعی می باشند ؛ بدین معنی که هیچ تلاش علمی یک مسلمان در هر حوزه علمی اعم از الهیات ، علوم انسانی و طبیعی ، صلاحیت نقض این ضروریات اولیه را ندارد ؛ بلکه بر عکس ، این ضروریات ، بر تمام دستاوردها حاکمیت دارد ؛ و چهار چوب کنترلی امکان صحت دستاوردهای هماهنگ و یا حداقل ، غیر معارض با ضروریات ، می باشد .

از آنجا که علوم انسانی ، به شدت ایدئولوژیک می باشند ، بدین معنی که ، از پیش فرضهای فلسفی و اعتقادی پژوهشگران مربوطه ، مستقیماً تاثیر می پذیرند ؛ بدین جهت از باب نمونه مرتبط به موضوع ، در سه دهه اخیر ، بحث " فرهنگ سازمانی و معنویت و اخلاق در سازمان " ، از بحثهای جدی در حوزه علم مدیریت ، به شمار می آید.

ارزشهای اسلامی نیز ، با فرهنگ و اخلاق و معنویت ویژه خود ، بر مبانی علوم انسانی و بالطبع ، بر دستاوردهای آن ، به تبع تاثیر بر مبانی ، اثرات قاطعی می گذارد .

علاوه بر آن ، دستور العمل های اسلامی در شوونات فردی ، خانوادگی ، سازمانی ، و اجتماعی حکومتی ، و در مسائل و مجموعه وظائف مدیریتی ، از هدفگذاری گرفته تا برنامه ریزی ، تا سازماندهی و بسیج امکانات ، تا هدایت و رهبری ، تا نظارت و کنترل ، اثرات ویژه ای را بجای می گذارد.

از نظر اسلام ، حداقل ، پنج مؤلفه اساسی ، مبنای خاص ، و پایه و زیر ساخت مسائل مدیریت از منظر اسلام را تشکیل می دهد :

- نگرش جامع به انسان
- نگرش جامع به خانواده
- نگرش جامع به نظام اسلامی
- نگرش جامع به ماهیت مدیریت اسلامی و سلسله مراتب آن
- نگرش جامع به نظام کلی مدیریت زمان

از منظر اسلام ، انسان بدون هویت رسمی خانوادگی ، رسمیت انسانی اجتماعی ندارد ؛ و از طرفی جامعه سالم ، حاصل مجموعه خانواده های سالم است و نظام اسلامی و مدیریت آن ، بدون جامعه سالم معنی ندارد ؛ پس " مؤلفه خانواده " ، زیر بنای سه مؤلفه " انسان " ، " نظام " و " مدیریت " است.

از آنجا که تدبیر مؤلفه های چهار گانه فوق " خانواده ، انسان ، نظام ، و مدیریت " نیازمند تقسیم بندی و تعیین و تدبیر کلی اوقات مناسب هر فعالیت ، می باشد ؛ " نظام کلی مدیریت زمان " ، پایه و اساس هر

تدبیر و عملکرد شخصی ، خانوادگی ، سازمانی ، اجتماعی ، و حکومتی مفید مادی معنوی با حد اکثر کارایی و اثر بخشی از منظر اسلام ، می باشد .

پس تبیین پیش فرضها و الگوی کلی این نظام مدیریت زمان ، پیش نیاز اصلاح نظامات فردی خانوادگی ، اجتماعی اداری و حکومتی است .

۳/۱/۱ . فقدان مبحث مبانی و الگوی کلی مدیریت زمان در ادبیات علم مدیریت :

مبحث سیاستهای راهبردی تدبیر اوقات شبانه روزی بر اساس ضرورتهای مادی و معنوی وجود انسان در گستره و راستای زندگی مقدماتی دنیا ، و زندگی اصیل و ابدی آخرت ، از مختصات فرهنگ الهی ، خصوصا اسلام می باشد ؛ که در آن معرفت به دو ساحت مادی معنوی انسان ، و باور به خدا و به سرنوشت اخروی بهشت و یا جهنم مبتنی بر نوع عملکرد انسان و حسابرسی الهی ، اساس ایمان افراد معتقد را رقم می زند .

طبعاً ، علوم انسانی تجربی رایج ، از جمله مدیریت ، فاقد صلاحیت علمی برای تدبیر جامع نظام اوقات شبانه روزی ، می باشد ؛ و نهایت وجه همت این علوم ، ساماندهی زندگی انسان در چهار چوب زندگی دنیوی ، و بالابردن هر چه بیشتر کارایی و اثربخشی فعالیتها و لذات طبیعی مادی است .

مبحث مدیریت زمان در دانش مدیریت ، فنون استفاده بهینه از اوقات را با بیان اصول و تکنیکهای کاربردی آموزش می دهد : مانند تهیه فهرست کارهای ضروری ، اولویت دادن به کارهای مهم و ضروری ، تهیه یک جدول زمانبندی شده با توجه به اولویتها ، تطبیق دادن یا هماهنگ کردن ساعتهایی که فرد در شبانه روز فعال تر است با کاری که اهمیت یا اولویت بیشتری دارد ؛ چون شخص در آن ساعات از آمادگی بیشتری برخوردار است و تولید و بازدهی بیشتری دارد (استیفن پی. رابینز، ص ۹۶۴) .

این اصول و فنون ، اولاً ، ناظر به سه هدف اشتغال اقتصادی و رفاه و سلامت مادی و روانی (نه معنوی) خانوادگی و شخصی ، و رشد و توسعه هر چه بیشتر شغلی و شخصی می باشد (برایان تریسی ، ص ۵۱-۵۲) که صرفاً در صدد بهبود زندگی دنیوی است و توجهی به رشد معنوی ندارد ؛ بلکه علم بدان را نیز ، چنانکه گذشت ، فاقد است .

و ثانیاً ، در این حوزه ها ی مادی نیز ، سیاست کلی ساعات مناسب اشتغال اقتصادی را در شبانه روز ، هنوز بدرستی مشخص نکرده است ، لذا هم ساعت اشتغال صبح نوعاً دیر هنگام است (۷/۵ یا ۸ صبح) و هم اشتغال بعد از ظهر ، بدون استراحت ، با افت کیفیت و کمیت همراه است .

بدتر از آن شیفت کاری سوم است که از نظر افت کمی و کیفی بازدهی کار و تخریب سلامت جسمی و روانی ، هشدار دهنده است و در بسیاری از موارد ، اشتغال در این شیفت سوم ، با تدبیر صحیح عقلی و شرعی ، و محاسبه سود و زیان مادی و معنوی در دراز مدت ، قابل اجتناب و یا تقلیل جدی می باشد .

۲/۱ . اصول مرتبط :

تبیین مبانی ویژه مدیریت زمان و طراحی سیاستهای راهبردی مدیریت زمان در اسلام ، و ارائه الگوی اسلامی ، مبتنی بر پیش نیازهایی است از دو ساحتی بودن انسان ، رابطه انسان با طبیعت ، خصوصاً تحولات شبانه روزی ، مراتب سه گانه دیانت و الزامات فقهی اخلاقی و عرفانی آن ، و ضرورت تقسیم ۴ گانه اوقات شبانه روزی ، که در محورهای ذیل تشریح گردیده است :

۱/۲/۱ . ساحت مادی - ملکوتی انسان :

از بدیهیات فرهنگ اسلامی ، هویت واحد انسانی مرکب از دو ساحت بدن مادی و روح ملکوتی می باشد ؛ بنحوی که کالبد مادی ظرف بروز اراده روح انسانی است :

" فإذا سوئته و نفخت فيه من روحی فقعوا له ساجدين " (حجر/۲۹)

۲/۲/۱. ساحت مادی در خدمت ساحت ملکوتی : جسم، مرکب روح ؛ رابطه متقابل جسم و روح :

حقیقت انسان ، همان بعد ملکوتی اوست که در هنگام مرگ، کالبد مادی دنیوی را رها می کند ؛ وبه عالم برزخ وارد می شود :

" قل یتوفیکم ملک الموت الذی وکل بکم؛ ثم إلى ربکم ترجعون " (سجده/۱۱)

روح انسانی ، به جهت حضور در کالبد مادی ، گرایشات و اقتضانات حیوانی دارد ؛ و به جهت ماهیت خویش ، گرایشات معنوی و ملکوتی دارد .

رسیدن روح به سن بلوغ و تجلی عقل الهی در این زمان ، و رشد و بالندگی آن ، از سن بلوغ به بعد ، انسان را وارد عالم تکلیف و پاسخگویی به عملکرد خویش می نماید؛ لذا مسئولیت می یابد ساحت مادی و حیوانی اش را ، همچون مرکبی در خدمت رشد و تعالی روح ملکوتی اش قرار دهد ؛ تا اقتضانات ملکوتی اش به فعلیت رسیده ، نهادینه شود و ثبات معنوی یابد ؛ اگرچه پاسخ به اقتضانات حیوانی در حد ضرورت و نیاز، امری غیر قابل اجتناب می باشد ؛ بلکه مقدمه پاسخ مناسب به اقتضانات معنوی است :

" و ابتغ فیما آتیک الله الدار الآخرة و لاتنس نصیبک من الدنیا ... " (قصص/۷۷)

لازم به تذکر است که : درهم تنیدگی جسم و روح چنان است که تأثیر متقابل بر یکدیگر دارند ؛ لذا افراط در پاسخگویی به یکی ، تفریط و نقصان در دیگری را سبب می شود؛ از این رو ضرورت دارد : با حفظ شأن مقدمیت جسم و اصل بودن روح ، تعادل مبتنی بر حکم وحی الهی (قرآن و سنت) و عقل در خدمت وحی ، مراعات شود :

" لاتجعل یدک مغلولة إلى عنقک و لاتبسطها کل البسط فتقع ملوما محسورا " (اسراء/۳۹)

" و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواما " (فرقان/۶۷)

لازم به تذکر است : مقصود از تعادل ، تأمین نیاز مادی در حد قناعت و سپس کفایت ، است؛ و عدم تعادل، زیاده روی در آن می باشد ؛ به نحوی که هم به جسم صدمه زند و هم در رشد معنوی اختلال ایجاد کند .

وإلا ، در توجه به معنویات برپایه تأمین نیاز مادی (قناعت و کفایت) ، در جهت حداکثری هیچ مرزی جز سه نکته " ظرفیت و کشش روحی" و "جامع نگری در اداء حقوق الهی و انسانی" و " رعایت اولویتها " ، وجود ندارد .

بله ، در جهت حداقل ، اداء مجموعه واجبات و محرّمات و الزامات فقهی حقوقی اولیه ، ضرورت شرعی و عقلی دارد .

۳/۲/۱. رابطه اسلام و رفاه و سعادت دنیوی:

اسلام مکتبی الهی است که نه تنها برای سعادت اخروی انسان ، بلکه به جهت آبادانی و رفاه و سعادت دنیوی انسان ، نیز، قبل از سعادت اخروی، و در طول آن، برنامه زندگی ارائه می دهد :

" و لو أن اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم بركات من السماء و الأرض ... " (اعراف/۹۶)

" و یا قوم استغفروا ربکم ثم توبوا إلیه یرسل السماء علیکم مدرارا و یردکم قوة إلی قوتکم؛ و لا تتولوا مجرمین " (هود/۵۲)

و اساسا ، رفاه و سعادت دنیوی دراز مدت را، صرفا ، در گرو باور به "الله" خالق و پروردگار هستی ، و تبعیت از فرامینش اعلام می نماید :

" من کان یرید ثواب الدنیا فعند الله ثواب الدنیا و الآخرة... " (نساء/۱۳۴)

بلکه لذت روحی روانی از مواهب دنیا را بدون عشق و باور به "الله" ، غیرممکن معرفی می نماید ؛ چراکه قلب و روح مخلوق خداست و بدون ارتباط با خالق و پروردگار رازق بی نیاز ، هرگز لذت و آرامش و امنیت روانی بلکه اجتماعی را نخواهد چشید !:

" الذین آمنوا و تطمنن قلوبهم بذكر الله ؛ ألا بذكر الله تطمنن القلوب؛ الذین آمنوا و عملوا الصالحات طوبی لهم و حسن مآب " (رعد/۲۸-۲۹)

بالتر از آن ، در زندگی دنیوی، قبل از آخرت ، در معیشتی تلخ و ناگوار توأم با تنگنایی روحی روانی ، بسر خواهد برد ! :

" و من أعرض عن ذکرى فإن له معیشة ضنکا... " (طه/۱۲۴)

بر این اساس ، خدای رحمان و رؤوف و رحیم ، از باب تذکر به بشریت ، به پیامبرش ، هشدار می دهد : مبادا گمان کنی افراد کافر و منافق ریاکار با داشتن قدرت و ثروت، در دنیا، در خوشی و امنیت روانی بسر می برند ؛ هرگز ، بلکه ، خدای قادر متعال ، از طریق قدرت و ثروتشان ، آنان را در دنیا به عذاب دردناکی گرفتار نموده است ! تا زمانی که جانشان به لب رسد و با حالت کفر، وارد عالم آخرت و عذاب دوزخ گردند :

" و لا تعجبک أموالهم و اولادهم ؛ إنما یرید الله أن یعذبهم بها فی الدنیا و ترهق أنفسهم و هم کافرون " (توبه/۸۵)

" فلا تعجبک أموالهم و لا اولادهم ؛ إنما یرید الله لیعذبهم بها فی الحیوة الدنیا و ترهق أنفسهم و هم کافرون " (توبه/۵۵)

در آیه اول، "قدرت و اولاد، و ثروت" را وسیله مستقیم عذاب منافقین و کفار معرفی می کند ("ان یعذبهم" ، مفعول "یرید")؛ و در آیه دوم، اراده الهی در تنبیه منافقین و کفار، به اموری تعلق می گیرد که آنها ، موجب می شوند نه تنها ثروت ، بلکه قدرت آنان نیز(تأکید "لا" بر سر "اولادهم") ، به جای خوشی و راحتی، وسیله شکنجه روحی و عذاب آنان گردد! ("لیعذبهم" ، مفعول له "یرید").

این رهنمودهای الهی ، به تصریح قرآن، حداقل ، در تبیین سیاستها، و اصول و شاخصهای کلی، همه محورهای ساحتیهای مادی و معنوی انسان را در بر می گیرد و هیچ حوزه ای از این رهنمود کلی مستثنا نمی باشد:

" ... و نزلنا عليك الكتاب تبياناً لكل شيء و هدى و رحمة و بشرى للمسلمين " (نحل/۸۹)

" و ما اختلفتم فيه من شيء فحكمه إلى الله ؛ ذلكم الله ربى ؛ عليه توكلت و إليه أنيب " (شورى/۱۰)

" تبياناً لكل شيء " به صراحت، همه امور را در بر می گیرد.

با مطالعه اجمالی کل قرآن ، به یقین معلوم می گردد : این امور و رهنمود های قرآن ، علاوه بر بینشها و احکام ساحتهاى معنوی انسان ، بینشها و احکام ساحتهاى مادی انسان ، از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن و زناشویی و معاملات و ارث و غیره را در بر می گیرد.

از جمله امور اساسی فراگیر در زندگی انسان، سیاست کلی مدیریت زمان ، تقسیم و تدبیر اوقات شبانه روزی، می باشد که رهنمودش در قرآن کریم ، به کرات و در خلال دهها آیات ، فرمان داده شده است ؛ و در روایات به تفصیل ، به شرح آنها پرداخته است ؛ و ناظر به هر دو ساحت معنوی و مادی انسان می باشد ؛ لذا ، توجه و اهتمام بدانها تکلیفی شرعی در جهت تنظیم امور مادی و معنوی همه مسلمانان ، خصوصاً ، سیستمگذاران نظام اسلامی می باشد.

۴/۲/۱. ارتباط مستقیم تحولات شبانه روزی طبیعت با ساحتهاى انسانی :

انسان در امکانات وجودی ، گل سر سبد عالم خلقت است ؛ پس آنگاه که امکاناتش را به فعلیت رساند و به کمال وجودیش رسد ، به مقام خلیفه‌اللهی نائل می آید و به إذن خدا ، مدیریت ارشد عالم را بر عهده می گیرد :

" و اذ قال ربك للملائكة ابنى جاعل فى الارض خليفة " (بقره/۳۰)

به جهت این جایگاه وجودی و منزلت عظیم و بی رقیب در نظام خلقت ، محور عالم خلقت می باشد ؛ و همه موجودات در راستای بستر سازی و تسهیل مسیر رشد و کمال انسان به ایفای نقش می پردازند ؛ و به عبارت دیگر، همه در خدمت انسان، به تسخیر در آمده اند ! :

" سخر لكم ما فى السموات وما فى الأرض جميعاً منه إن فى ذلك لآيات لقوم يتفكرون " (جاثیه/۱۳)

ابر و باد و مه و خورشید و ملک در کارند،

تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

" ألم تروا أن الله سخر لكم ما فى السموات و ما فى الأرض و أسبغ عليكم نعمه ظاهرة و باطنة... "

(لقمان/۲۰)

تعبیر توبیخی " ألم تروا " می رساند : این تسخیر عالم چنان در معرض انسان است که تو گویی به حس و تفکر، قابل رؤیت است و امر پنهانی نیست و به صرف اراده حاصل می شود!

" مجموعه تحولات شبانه روزی "، و فصول چهار گانه از مظاهر برجسته ؛ در خدمت رشد و تعالی انسان است :

" سخر لكم الشمس و القمر دائبين و سخر لكم الليل والنهار؛ و آتيكم من كل ما سئلتموه و إن تعدوا نعمة الله لا تحصوها إن الإنسان لظلوم كفار " (ابراهيم/۳۳-۳۴)

تعبیر " ...سئلتموه... " چنان است که تو گویی این تسخیر به در خواست انسان صورت گرفته است ؛ این معنی ، گویای نیاز فطری و وجودی انسان به این تسخیر می باشد ؛ و لیکن انسانها از این نعم بی شمار غافل اند و به ناسپاسی عمر بسر می کنند و از برکت این تسخیر، برای رشد و تعالی خود بهره نمی گیرند :

" و سخر لكم الليل و النهار و الشمس و القمر ؛ و النجوم مسخرات بأمره ؛ إن فی ذلك لآیات لقوم یعقلون " (نحل/ ۱۲)

در آیه فوق و بعضی از آیات دیگر تسخیر ، از جمله آیه اول در صدر بحث (جائیه/ ۱۳) ، جهت دریافت نقش و علل این تسخیر و نکات دیگر، مخاطبین را دعوت به تفکر و تعقل نموده است؛ بلکه اسرار این تسخیر را برای اهل فکر و عقل ، بر ملا می داند! (تعبیر "آیات...")

در قرآن کریم ، پروردگار حکیم بی نیاز، به این مظاهر تحولات شبانه روزی، و اسباب و وسائل آن ، قسم یاد کرده است :

" والفجر و لیال عشر... " (فجر/ ۱-۲)

" والضحی و اللیل إذا سجدی ما ودعک ربک و ما قلی " (ضحی/ ۱-۳)

" والعصر إن الإنسان لفی خسر " (عصر/ ۱-۲)

" واللیل إذا یغشی و النهار إذا تجلی و ما خلق الذکر و الأنثی... " (لیل/ ۱-۳)

" فلا أقسم بالشفق و القمر إذا اتسق لتركین طبقا عن طبق " (انشقاق/ ۱۶-۱۹)

" كلا والقمر واللیل إذ أدبر و الصبح إذا أسفر ، إنها لإحدى الکبر، نذیرا للبشر ، لمن شاء منکم أن یتقدم أو یتأخر " (مدثر/ ۳۲-۳۷)

" فلا أقسم بالخنس الجوار الكنس ، و اللیل إذا عسعس و الصبح إذا تنفس ، إنه لقول رسول کریم " (تکویر/ ۱۵-۱۹)

آیات جامع در این باب ، در سوره شمس آمده است :

" والشمس و ضحیها والقمر إذا تلیها و النهار إذا جلیها و اللیل إذا یغشیها و السماء و ما بنیها و الأرض و ما طحیها و نفس و ما سویها فآلهمها فجورها و تقویها، قد أفلح من زکیها و قد خاب من دسیها " (شمس/ ۱-۱۰)

آیه اخیر ، از قسم به تحولات شبانه روزی و آسمان و زمین ، و نفس ملهم و عارف به خیر و شر ، و فجور و تقوی ، سعادت و تزکیه و رشد انسان را نتیجه می گیرد ، اگر بذر وجودش را برویاند ؛ و یا نومیدی و تباهی انسان ، را نتیجه می گیرد ، اگر بذر وجودش را در زمین دفن کند و مانع رویش آن گردد .

آیات تسخیر ، بر نقش مستقیم این تحولات بر زندگی انسان سخن می گوید .

آیات قسم ، بعضی همچون آیه اخیر ، بیشتر به نقش نمادین و تشبیه استعاره آنها در اشاره به مسائل انسانی و تبیین قواعد چگونگی تحولات روحی روانی او تأکید می کند .

و بعضی دیگر ، همچون سوره فجر ، هر دو جنبه را تذکر می دهد :

هم یکی از ظروف زمانی مناسب رشد معنوی را تذکر می دهد (دهه ذی الحجة و فجر عید قربان) ؛ همانگونه که این دهه بنا بر روایات ، همان ده شبی است که حضرت موسی (ع) به امر خدا ، چله اش را در میعاد الهی با آن ، به پایان رساند :

" و واعدنا موسی ثلاثین لیلة و أتمناها بعشر فتمّ میقات ربه أربعین لیلة " (اعراف/۱۴۲)

(ذکر چهل شب، بعد از تعبیر ۳۰ و ۱۰ ، و تعبیر " تمّ " ، به روشنی ، به نقش عدد ایام و اوقات خاص در برنامه معنوی اشاره دارد).

و هم خالی از اشارات نمادین برای تزکیه نفس ، و یا ظهور فجر حقیقت و سرکوبی صولت جباران نمی باشد :

" ألم تر کیف فعل ربك بعاد... و فرعون ذی الأوتاد... فصب علیهم ربك سوط عذاب إن ربك لبالمrصاد " (فجر/۶-۱۴)

خلاصه کنیم :

" تحولات شبانه روزی ، نقش مستقیمی در اصلاح دنیا و آخرت انسان دارد ؛ لذا، ضرورت دارد : انسان مؤمن ، خانواده مؤمن ، و نظام اسلامی ، بر اساس سیاستگذاری الهی قرآن و سنت معصومین ، نظام اوقات امر معاش و معادش را تعریف کند و به اجراء گذارد ."

۵/۲/۱. مراتب دیانت :

در قرآن کریم ، سه مرتبه الزامات دینی تعریف شده است :

- دیانت مسلمین : که تلبس به الزامات فقهی حقوقی را تذکر می دهد.
 - دیانت مؤمنین : که به الزامات اخلاقی ، علاوه بر الزامات مسلمین ، نظر دارد .
 - دیانت محسنین : که به الزامات عرفانی ، علاوه بر الزامات مسلمین و مؤمنین ، نظر دارد .
- الزامات مطلوب دینی ، سطح دوم و سوم است و سطح اول ، لازم است ، اما جهت خیر دنیا و آخرت ، کفایت نمی کند .

حال به توضیح موارد فوق می پردازیم:

۱/۵/۲/۱. دیانت مسلمین : الزامات فقهی و حقوقی : مقید به احکام ،
مريض القلب ، منافق :

حداقل مرتبه الزامات دینی ، مرتبه اسلام است که نظر به الزامات فقهی حقوقی دارد ؛ و واجبات و محرّمات ، و صحت و بطلان امور را در برمی گیرد .

عمده وجهه همت رساله های عملیه ، تبیین موارد فوق ، برای عموم جامعه است.

تعبیر الهی در قرآن ، گویای آن است که این مرتبه ضرورت دارد اما کفایت نمی کند ؛ چراکه پذیرش ظاهری اسلام را نظر دارد و هنوز عشق و ایمان قلبی را در بر نمی گیرد :

" قالت الأعراب آمنا قل لم تؤمنوا ولكن قولوا أسلمنا و لما یدخل الإیمان فی قلوبکم " (حجرات/۱۴)

در این مرتبه ، حضور قلب در نماز و رعایت وقت فضیلت نماز، ضرورتی ندارد ! ؛ و واجب نیست فرد مسلمان ، در تمام عمر خود ، حتی یک صفحه ، قرآن به خواند ! و بیش از واجبات مالی اولیه همچون خمس و زکات و فطریه ، واجب مالی اولیه دیگری بر عموم نیست.

در این سطح از دیانت ، رعایت وظائف مادری و جویی ندارد ! و واجب نیست که عموم زنان زحمت غذا پختن و لباس شستن و امور دیگر را به خود بدهند ! و این شوهر زن است که موظف است علاوه بر نفقه ، تدارک امور فوق را خود به تنهایی عهده دار شود !

در این مرتبه لازم نیست ، دست درممانده ایی را بگیری و به کار ارباب رجوع تا قدری، بعد از وقت اداری رسیدگی کنی تا کارش پایان پذیرد ! و ...

ملاحظه می شود اتکاء صرف به الزامات فقهی حقوقی و عدم اعتناء به الزامات اخلاقی، رشد فردی، سلامت انسانی را در روابط خانوادگی و اداری و اجتماعی به خطر می اندازد ؛ و اتفاقاً، به مرور، انگیزه التزام به حداقلها را نیز در افراد کاهش خواهد داد ؛ خصوصاً اگر این سطح از دیانت ، از مدیران و پرچمداران دیانت اسلامی ، صادر شود!

طبعاً ، این چنین جامعه ای خود خواه فرد گرا ، هرگز روی سعادت دنیوی و آخروی را نخواهد دید .

با این توجه معلوم می گردد :

از علل اساسی انحطاط مسلمین ، دوری از عشق و ایمان و الزامات اخلاقی اسلام ، و اکتفاء به ظواهر اولیه آن می باشد ؛ آن چنان که بعد از رحلت پیامبر اسلام (ص) ، آرام آرام این فاصله و دوری ، شکل عادی گرفت و تلاطمات حیرت آور دوره امیر مؤمنان (ع) نیز ، فرصت نهادینه کردن ارزشهای اخلاقی را ، در جامعه فاصله گرفته از ارزشها ، به حضرتش نداد ؛ و عمده حکومتهای تاریخ مسلمانان بعد از امام حسن (ع) ، نیز، حکومتهایی ریاکار و منافق بودند و فرهنگ ریا و نفاق را در جامعه مسلمین نهادینه کردند ؛ و هم اکنون نیز اکثریت آنها چنین اند .

در چنین فضایی ، اکثریت جامعه را بیمار دلان تشکیل می دهد ؛ که به حداقل الزامات فقهی و حقوقی نیز پایبندی لازم را نخواهند داشت ؛ و زمام امور این افراد را طبعاً ، منافقان و سنگدلان بر عهده خواهند گرفت و گروه مقید به احکام در اقلیت و انزوا و تنگنا قرار خواهند گرفت ؛ تا چه رسد به مؤمنان و محسنان که دانم در رنج و عذاب اند تا به لقاء پرودگارشان نائل شوند :

" و یکدح فیها مؤمن حتی یلقى ربه " (سید رضی، نهج، خطبه ۳)

در قرآن، بیمار دلان با تعبیرات "فی قلوبهم مرض" ، "الصَّمُّ" و "العمی" یاد می شود که به نارسایی و اختلال اخلاقی، و کری و کوری قلبی ، گرفتار می باشند ؛ و اهل ریا و نفاق را با تعبیرات "المنافقین" و "القاسیة قلوبهم" و "الموتی" یاد می کند که از عدم اعتقاد آنها به اسلام ، و از سنگدلی آنان و مرگ معنوی و انسانی اشان، حکایت می کند :

" ولنن لم ینته المنافقون و الذین فی قلوبهم مرض و ... " (احزاب/۶۰)

" و اذ یقول المنافقون و الذین فی قلوبهم مرض غر هؤلاء دینهم " (انفال/۴۹)

" لیجعل ما یلقى الشیطان فتنة للذین فی قلوبهم مرض و القاسیة قلوبهم... " (حج/۵۳)

" إنك لاتسمع الموتى، و لاتسمع الصم الدعاء إذا ولوا مدبرين و ما انت بهادي العمي عن ضلالتهم ،
إن تسمع إلا من يؤمن بآياتنا وهم مسلمون " (نمل/۸۱) و(روم/۵۳)

در سوره بقره از آیات ۲۰۰ الی ۲۰۷ حاجیان برگشته از حج را به ۴ گروه "دنیا طلب محروم از آخرت" ، " عاقبت به خیر طالب حسنه در دنیا و آخرت، و نگران از جهنم" ، "منافق لجوج شیفته دنیا ، قدرت طلب تبهکار" ، و " ایثار گر جان بر کف طالب رضای خدا " تقسیم می کند :

" فإذا قضیتم مناسککم فاذکروا الله کذکرکم آبائکم أو أشد نکرا ؛

" فمن الناس من یقول ربنا آتنا فی الدنیا و ما له فی الآخرة من خلاق " ؛

" ومنهم من یقول ربنا آتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب النار"؛...

" و من الناس من یعجبک قوله فی الحیوة الدنیا و یشهد الله علی ما فی قلبه و هو الد الخصام ؛ وإذا تولى سعى فی الأرض لیفسد فیها و یهلك الحرث و النسل ... و إذا قیل له اتق الله أخذته العزة بالإثم ؛ فحسبه جهنم و لبئس المهاد "؛

" و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله ؛ والله رؤوف بالعباد" (بقره/۲۰۰-۲۰۷)

دیانت گروه اول و سوم ، همان دیانت اعرابیان است که خیری در آخرت برایشان وجود ندارد گروه اول ، عوام بیمار دل دنیا طلب در خدمت گروه سوم ، خواص منافق قدرت طلب نفوذ کرده در مجاری قدرت و مدیریت جامعه ، می باشند (تعبیر "اذا تولى") .

گروه سوم رهبران اهل دنیایند که به اکتفاء و همراهی اهل دنیا با آنان ، اقتصاد و نسل را به تباهی می کشند.

گروه دوم ، عموم اهل ایمان ، و گروه چهارم ، رهبران و امامان اهل ایمان و تقوی می باشند .

به حرمت گروه چهارم است که ، خداوند به جامعه ، رأفت و رحمت و عنایت ارزانی می دارد (تعبیر " و الله رؤوف بالعباد") .

خلاصه کنیم:

" تمرکز و اکتفاء به ظواهر دینی در سطح مسلمین اعرابی مسلک، جامعه را به انحطاط می کشاند ؛ و روح و حقیقت اسلام را به انزوا و حاشیه می راند ؛ پس جهت تجلی ارزشهای متعالی اسلام در جامعه ، شعار و دعوت به الزامات فقهی و حقوقی ، و عمل بدان لازم است و لیکن ، هرگز کافی نیست !

لذا بر حاکمیت نظام اسلامی در ایران ، تکلیف است که سطح دیانت را از حداقل الزامات ، بالاتر برند و به نهادینه کردن حداقل ارزشهای اخلاقی اسلام همت گمارند ."

۲/۵/۲/۱ . دیانت مومنین : الزامات اخلاقی + فقهی - حقوقی : مومنین ، مدیریت فرهنگی و اجرایی :

دیانت ایمانی ، حداقل دیانت مرضی خداست ؛ در این سطح ضرورت دارد : حداقل ارزشهای اخلاقی به الزامات فقهی حقوقی افزوده شود ، تا حداقل اثار معنوی دین اسلام ، در نفوس انسانی و خانواده و جامعه و حاکمیت ، متجلی گردد ؛ و خیر دنیا و رستگاری در آخرت و وراثت بهشت برین نصیب بشریت شود :

" و لو أن اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الأرض... " (اعراف/۹۶)

" قد افلح المؤمنون الذين هم في صلواتهم خاشعون و الذين هم عن اللغو معرضون و الذين هم للزكوة فاعلون و الذين هم لفروجهم حافظون... و الذين هم لأماناتهم و عهدهم راعون و الذين هم على صلواتهم يحافظون ؛ أولئك هم الوارثون " (مؤمنون/۱-۱۰)

" إن الإنسان خلق هلوعا إذا مسه الشر جزوعا و إذا مسه الخير منوعا؛ إلا المصلين الذين هم على صلواتهم دائمون و الذين في أموالهم حق معلوم للسائل و المحروم و الذين يصدقون بيوم الدين و الذين هم من عذاب ربهم مشفقون... و الذين هم لفروجهم حافظون... و الذين هم لأماناتهم و عهدهم راعون و الذين هم بشهاداتهم قانمون و الذين هم على صلواتهم يحافظون أولئك في جنات مكرمون " (معارف/۱۹-۳۵)

" رأيت الذي يكذب بالدين فذلك الذي يدع اليتيم و لا يحض على طعام المسكين فويل للمصلين الذين هم عن صلواتهم ساهون و الذين هم يراءون و يمنعون الماعون " (ماعون/۱-۷)

آیه اول ، خیر در دنیا را برای اهل ایمان و تقوی تذکر می دهد .

آیه دوم و سوم ، ویژگی اهل ایمان و اهل نماز را بر می شمرد و رستگاری و وراثت کریمانه را در آخرت ، به آنان مزده می دهد .

عشق به خدا و ارزشهای الهی ، و اهل نماز بودن ، دو ویژگی برجسته آنان است که با عناوین "المؤمنین" و "المصلین" بدان اشاره می کند.

"اهتمام به نماز" ، حداقل در دو ویژگی "حضور قلب در نماز و رعایت اوقات اول وقت نماز" ، به عنوان اولین و آخرین ویژگیهای آنان ذکر شده است ؛ گویا که اشاره دارد : "اول نماز و آخر نماز!" ؛ و این نحوه بیان ، محوریت اهتمام به نماز را در حوزه الزامات دینی ، تذکر می دهد ؛ که همان "عمود الدین" بودن نماز را اشاره دارد و طبعا ، به عنوان محور "حق الله" نیز، مطرح است.

اهتمام به امر فقراء و محرومان ، ویژگی برجسته دوم است که از شاخصهای اساسی کمی احراز حقیقت نماز می باشد ؛ که در قرآن کریم، قرین لاینفک نماز تلقی می شود و با تعبیرات "انفاق، زکات ، صدقه، اطعام"، و غیره ، آمده است؛ این ویژگی ، محور "حق الناس" نیز ، تلقی می گردد .

مجموع "حق الله و حق الناس" ، مجموعه تکالیف دینی را تذکر می دهد و تحقق آن و عدمش ، بر دو محور اساسی نماز و زکات ، سرنوشت آخروی افراد را رقم می زند :

" هدی للمتقین الذين یؤمنون بالغیب و یقیمون الصلوة و مما رزقناهم ینفقون " (بقره/۲-۳)

" ایمان به غیب " نماد مجموعه اعتقادات، و " اقامه نماز و انفاق " ، نماد مجموعه وظائف دینی می باشد .

" ما سلکم فی سقر؟ ؛ قالوا لم نک من المصلین و لم نکن نطعم المسکین " (مذثر/۴۲-۴۴)

در آیات سوره ماعون، فقدان اهتمام به ایتم و مساکین را دلیل بی اعتباری نماز و نمازگزار معرفی می کند؛ و این چنین نمازی را تهی از معنویت و ریاکارانه قلمداد می کند ؛ و بخل را از نشانه های ریاکاران اعلام می نماید ؛ بلکه عدم اهتمام به محرومان را نشان از بی اعتقادی به قیامت ، و نشان از تکذیب آن معرفی می نماید!

از ویژگی های دیگر مؤمن ، حفظ ناموس ، امانتداری ، وفای به عهد ، برشمرده شده است.

در آیاتی دیگر، صبر، و قرانت و تلاوت قرآن ملازم نماز و انفاق، از صفات اهل ایمان معرفی شده است :

" و استعینوا بالصبر و الصلوة و إنها لكبيرة إلا على الخاشعين الذين يظنون أنهم ملاقوا ربهم... " (بقره/۴۵)

" فاقروا ماتيسر من القرآن... فاقروا ماتيسر منه و أقيموا الصلوة و آتوا الزكوة... " (مزل/۲۰)

" الذين آتيناهم الكتاب يتلونه حق تلاوته أولئك يؤمنون به؛ و من يكفر به فأولئك هم الخاسرون " (بقره/۱۲۱)

" إن الذين يتلون كتاب الله و أقاموا الصلوة و أنفقوا مما رزقناهم سرا و علانية يرجون تجارة لن تبور " (فاطر/۲۹)

ملاحظه می شود : " فقدان صبر " ، گویای ضعف خشوع و ضعف اعتقاد به قیامت ، و " فقدان تلاوت قرآن " ، حکایت از کفر عملی ، و بدبختی دنیوی و کساد و خسارت تجارت آخروی ، می باشد ؛ پس تلبس به آنها ، جهت پرهیز از این آثار شوم ، ضرورت ایمانی دارد .

به هر حال غرض از این توضیحات، تبیین این نکته است که : مراتب الزامات فردی و اجتماعی اهل ایمان در قرآن و سنت معصومین ، فراتر از الزامات دینی عموم مسلمانان می باشد .
عنوان " اصحاب الیمین " به نحو خاص ، و " المتقین " ، " المصلحین " ، " المخبتین " و غیره به نحو عام ، نظر حداقلی اش به سطح الزامات ایمانی می باشد .

در سوره واقعه ، در ذکر چگونگی مرگ اهل اسلام ، صرفا به مرگ مقربین و اصحاب یمین اشاره می کند ؛ و از مرگ دیگران از اهل اسلام ، ساکت است و سخنی به میان نمی آورد :

" و أما إن كان من المقربین فروح و ریحان و جنة نعيم؛ و أما إن كان من أصحاب الیمین فسلام لك من اصحاب الیمین... " (واقعه/ ۸۸-۹۱)

" مقربین " مقام عصمت را دارا می باشند که تعداد اندکی را در امت اسلام ، شامل می شود :

" ثلثة من الأولین وقلیل من الآخرین " (واقعه/ ۱۳-۱۴)

" اصحاب الیمین " ، به شهادت همین آیات ، کسانی را نظر دارد که به سلامت اعتقادی و اخلاقی و رفتاری، با قلب سلیم ، دار دنیا را به مقصد آخرت ، ترک می کنند :

" یوم لا ینفع مال و لابنون إلا من أتى الله بقلب سلیم " (شعراء/ ۸۸-۸۹)

لذا سزاوار سلام الهی می باشند (فسلام لك) ؛ این معنی ، گویای عاقبت بخیری و احراز قبولی اعمال می باشد ؛ پس، واضح است این گروه عاقبت بخیر ، غیر از عموم مسلمانان دچار نقصان در اعتقاد و اخلاق و عمل می باشند که علاوه بر دنیا ، در آخرت نیز از مرگ گرفته تا برزخ و قیامت و...، دچار مصیبت اند .

پس ، حداقل عاقبت به خیری ، تلبس به حداقل الزامات ایمانی ، علاوه بر الزامات فقهی حقوقی می باشد ؛ و لذا نظام و حاکمیت اسلامی ، در حداقل آن ، هم، مکلف به الزامات ایمانی و پرچمداری آن می باشد ؛ و هم ، مکلف است : بستر لازم اعتلاء ایمانی جامعه مسلمین را با سیاستگذاری و برنامه ریزی مناسب اهل ایمان ، برای آنان فراهم نماید .

از جمله سیاست‌گذاری‌های سرنوشت ساز برای اهل ایمان ، " تنظیم اوقات مناسب برای امر دنیا و آخرت آنان " می باشد که تفصیل آن خواهد آمد .

غرض کاربردی از اصل مراتب دیانت را، در ارتباط با " نظام کلی مدیریت زمان " خلاصه کنیم :

- فرهنگ سازی ارزشهای اخلاقی مستحب ، واجب است و بر خلاف تصور، مستحب نیست.
 - عادی سازی ترک مستحبات و ارزشهای اخلاقی و مباح سازی مکروهات ، حرام است و بر خلاف تصور، مکروه نیست ؛ چراکه حفظ و تأکید بر حدود و ثغور ارزشها ، الزام شرعی دارد و خلاف آن ، نوعی بدعت گذاری است که از اشد منکرات است.
 - رعایت حداقل ارزشهای اخلاقی بر اهل ایمان و خصوصا حاکمیت اسلامی واجب است و مستحب نیست .
 - رعایت " نظام کلی مدیریت زمان از منظر اسلام " پایه و اساس رعایت حداقل ارزشهای اخلاقی و ایمانی می باشد .
 - فرهنگ سازی و نهادینه کردن " نظام کلی مدیریت زمان " ، از جانب حاکمیت اسلامی امری واجب و حیاتی است و هرگز مستحب نیست و بستر سازی برای اصلاح امر دنیا و آخرت جامعه می باشد .
- ۳/۵/۲/۱. دیانت محسنین (اهل یقین): (الزامات عرفانی+ اخلاقی + فقهی - حقوقی): علمای ربانی و معصومین (ع) :
- قدر متقین از عنوان " محسنین " ، ناظر به معصومین از انبیاء و ائمه اطهار (ع) می باشد ؛ چرا که قرآن کریم ، مکررا ، انبیاء را " محسنین " می نامد :

" سلام علی نوح فی العالمین؛ إنا كذلك نجزي المحسنين " (صافات/۷۹-۸۰)

" سلام علی ابراهیم ؛ كذلك نجزي المحسنين " (صافات/۱۰۹-۱۱۰)

" سلام علی موسی و هارون ؛ إنا كذلك نجزي المحسنين " (صافات/۱۲۰-۱۲۱)

در سوره ذاریات ، حداقل الزامات دینی محسنین و یا اهل یقین ، در باب "حق الله" ، التزام دائمی به تهجد و شب زنده داری و نماز شب، و در باب "حق الناس" ، التزام دائمی به رسیدگی امر فقراء و محرومان ، در حد ایثار می باشد ! :

"... إنهم كانوا قبل ذلك محسنين ، كانوا قليلا من الليل ما يهجعون ؛ وبالأسحار هم يستغفرون؛ و فی أموالهم حق للسائل والمحروم " (ذاریات/۱۶-۱۹)

در التزام مالی اهل ایمان در سوره معارج ، الزام " و فی أموالهم حق معلوم " آمده است که نظر به انفاق مازاد از نیاز خود و خانواده را دارد ؛ لیکن در مورد التزام مالی محسنین ، رهنمود " و فی أموالهم حق " آمده است، بدون لحاظ قید " معلوم " ، کنایه از این که آنان ، در حد ایثار مالی ، سلوک دینی دارند ! ؛ این معنی ، سلوک مالی اهل البیت(ع) در سوره انسان را به یاد می آورد :

" و يطعمون الطعام علی حبه مسکینا و یتیمنا و اسیرنا " (انسان/۸)

التزام به حداقل نماز شب و شب زنده داری، و حداقل گذشت مالی ، برای رهبران مجتهد و غیر معصوم نظام اسلامی ، طبعا ، مورد انتظار است ؛ گرچه حرکت در سطح ایثار ، فوق طاقت غیر معصومین می باشد ؛ بحث بیشتر ، مجال دیگری را می طلبد.

۶/۲/۱. اصل وجوب بستر سازی و ایجاد فرصت فردی و تشکیلاتی، برای تحقق فضیلتها و رفع موانع از آن : (اصل آخرتگرایی) :

در منطق قران و سنت ، صلاح و فساد جامعه ، در گرو صلاح و فساد مدیریت جامعه می باشد :

" صنفان إذا صلحا صلحت الأمة و إذا فسدا فسدت الأمة ؛ قيل من هم یا رسول الله ؟ ؛ قال : العلماء و الرؤساء " (رک. صدوق، ج ۱ ص ۳۶)

"علماء و رؤساء " ، مدیران فرهنگی و اجرایی جامعه اند ؛ و نقش الگویی ویژه برای جامعه ایفاء می کنند ؛ پس ، صلاحیت علمی اخلاقی عملی آنان ، سنگ زیر بنای اصلاح جامعه می باشد ؛ لذا تأثیر مدیران و رهبران اجتماعی آنچنان قوی است که تربیت خاوادگی را تحت الشعاع قرار می دهند ؛ تو گویی اکثریت قاطع مردم ، فرزندان رهبران و مدیران جامعه خویش می باشند :

" الناس بأمرائهم أشبه منهم بأبائهم " علي(ع) ، (بن شعبه بحرانی، ص ۲۰۸)

" إنما الناس مع الملوک و الدنيا إلا من عصم الله " علي(ع) ، (سید رضی، نهج، خ ۲۱۰)

" الناس علی دین ملوکهم " مثل رایج

طبعاً ، تأثیر مدیریت جامعه بر مردم ، اولاً ، از شخصیت فردی آنان و ثانیاً از تدبیر و سلوک اجتماعی آنان، نشأت می گیرد ؛ لذا پیامبر عظیم الشان اسلام(ص) ، امت اسلام را نه از "فقر و نداری" ، بلکه از "سوء تدبیر" ، بر حذر می دارد :

" إني لا أخاف علی امتی الفقر و لكنی أخاف علیهم سوء التدبیر " (ابن ابی جمهور، ج ۴ ، ص ۳۹)

پس ، نحوه نگرش ، و نحوه سلوک دینی مدیران و رهبران جامعه ، به نوعی ، نمایشگر ارزشگذاری دینی ، و ارائه میزان وزن آنها به جامعه می باشد ؛ و فی الواقع ، کارکرد فرهنگ سازی و نهادینه کردن ارزشها را به گونه ارائه شده، برای جامعه ، دارا است ؛ لذا مدیران و رهبران مکلفند : با سخنان، سلوک فردی و تدبیر اجتماعی شان ، ارزشهای دینی و وزن آنها را آنگونه که در دین خدا معین شده به جامعه ارائه دهند ؛ از این رو ، گاه ممکن است : امر مستحب نزد مسلمین ، بعنوان امر واجب اداری و حکومتی بر کارگزاران مقرر شود و یا امر مکروهی، حرمت اداری و حکومتی پیدا کند؛ همچنانکه مهمان شدن عثمان بن حنیف ،استاندار بصره در محفل شام اغنیاء ، مورد توبیخ اداری شدید از جانب امیر مؤمنان (ع)، واقع می شود (سید رضی، نهج، نامه ۴۵) ؛ با آنکه از نظر فقهی ، نهایتاً امر مکروهی است و حرمت ندارد.

با توجه به این نکات ، نیز، دستاورد مرتبه ایمان ، محل تأکید مضاعف قرار می گیرد :

- فرهنگ سازی ارزشهای اخلاقی مستحب ، واجب است و بر خلاف تصور، مستحب نیست.
- عادی سازی ترک مستحبات و ارزشهای اخلاقی و مباح سازی مکروهات، حرام است و بر خلاف تصور، مکروه نیست ؛ چراکه حفظ و تأکید بر حدود و ثغور ارزشها ، الزام شرعی دارد و خلاف آن ، نوعی بدعت گذاری است که از اشد منکرات است.
- رعایت حداقل ارزشهای اخلاقی بر اهل ایمان و خصوصاً حاکمیت اسلامی واجب است و مستحب نیست.
- رعایت "مبانی ویژه و الگوی کلی مدیریت زمان از منظر اسلام" پایه و اساس رعایت حداقل ارزشهای اخلاقی و ایمانی می باشد.
- فرهنگ سازی و نهادینه کردن "الگوی کلی مدیریت زمان" ، از جانب حاکمیت اسلامی امری واجب و حیاتی است و هرگز مستحب نیست و بستر سازی برای اصلاح امر دنیا و آخرت جامعه می باشد .
در " قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران" نیز ، بر این بستر سازی تأکید شده است :

" اصل سوم : دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم ، همه امکانات خود را برای امور زیر ، بکار گیرد :

۱- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی ، بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی . " (قانون اساسی : اصل ۳، بند ۱)

" اصل چهل و سوم : برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و بر آوردن نیازهای انسان در جریان رشد ، با حفظ آزادی او ، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران ، بر اساس ضوابط زیر استوار می شود ... :

۳- تنظیم برنامه اقتصادی کشور بصورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد ، علاوه بر تلاش شغلی ، فرصت و توان کافی برای خود سازی معنوی ، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد " . (قانون اساسی : اصل ۴۳، بند ۳)
ملاحظه می شود : تدوین کنندگان هشیار قانون اساسی ، ضرورت بستر سازی را در حوزه نحوه تنظیم ساعات فعالیتها نیز ، پیش بینی نموده اند .

۷/۲/۱. اصل تقسیم اوقات شبانه روزی به اشتغال دنیوی و آخری :

در احادیث ، از جمله حدیثی از امام رضا(ع) تو صیه شده است :

" بسیار تلاش کنید تا اوقات شبانه روزی تان ، به ۴ بخش تقسیم شود :

- ساعتی برای خلوت با خدا ، جهت مناجات و عبادت
 - و ساعتی برای امر معیشت و اشتغال مادی
 - و ساعتی برای معاشرت و ارتباطات اجتماعی با افراد معتمد برادر صفت ، و آنان که عیوب شما را به شما می شناسانند ؛ و در باطن به شما اخلاص و ارادت دارند.
 - و ساعتی که برای لذتهای خویش ، در آن ساعت خلوت می کنید.
- در ادامه حدیث ، امام(ع) ، تأکید می کند :

" با رعایت این وقت چهارم است که شما قادر خواهید بود تا وظائف و مسئولیتهای سه گانه دیگر را برعهده گیرید و اداء کنید " :

" و اجتهدوا أن یکون زمانکم أربع ساعات : ساعة لله لمناجاته ، و ساعة لأمرالمعاش ، و ساعة لمعاشرۃ الإخوان الثقاة و الذین یعرفونکم عیوبکم و یخلصون لکم فی الباطن ، و ساعة تخلون فیها للذاتکم ، و بهذه الساعة تقدرون علی الثلاث الساعات "

امام رضا (ع) ، (مجلسی ، ج ۷۵ ، ص ۳۴۶)

ملاحظه می شود : حدیث شریف ، سیاستگذاری جامع را برای اصلاح امور دنیا و آخرت ، مورد تأکید قرار می دهد .

تعبیر "اجتهدوا" از واژه "جهد" و "جهد" به معنی تلاش فراوان با تمام طاقت و وسع وجودی می باشد

این بیان ، گویای آن است که :

" تنظیم اوقات و نظام بخشیدن به آن ، در رویه فردی ، و خصوصا اجتماعی ، نیازمند تلاش و کوشش و مراقبت و دقت است ؛ تا به عنوان یک سنت اساسی در فعالیت‌های انسان ، نهادینه شود ؛ و طبعا ، حاکمیت اسلامی در این تدبیر سرنوشت ساز ، نقشی اساسی را برعهده دارد ."

۸/۲/۱. اصل جایگزینی زمان فعالیتها در شرایط ضرورت فردی و تشکیلاتی :

مبانی ویژه و الگوی کلی مدیریت زمان ، یک تدبیر راهبردی است که ناظر به غالب اوقات و شرایط می باشد .

لیکن در شرایط ویژه ، و یا در فعالیت‌هایی که نوعا ، یا اورژانسی هستند (مانند کشیک بیمارستانها ، نیروی انتظامی ، و غیره) ؛ و یا اقتضانات مستمر می باشند (مانند تعامل با دول دیگر که اختلاف افق زمانی قابل توجهی دارند) ؛ طبعا ، سیاست جایگزین ، در نظام اوقات مطرح خواهد شد .

ولی بایستی توجه داشت : این شرایط برای افراد شاغل در این نوع فعالیتها ، چرخشی تعریف شود تا اکثر اوقات نیروهای شاغل ، با الگوی کلی مدیریت زمان ، تطابق یابد و هماهنگ شود .

این شرایط خاص و جایگزینی فعالیتها ، بعنوان یک اصل ، در قرآن و سنت معصومین (ع) مطرح شده است :

" و هو الذی جعل اللیل و النهار خلفة لمن أراد أن یذکر أو أراد شکورا " (فرقان/۶۲)

" شکر " مناسب روز است ، و " تذکر " مناسب با شب دارد ؛ در صورت ضرورت ، برعکس معمول ، عمل خواهد شد .

این رهنمود قرآنی ، در احادیث ، به همین گونه تفسیر شده است :

" کل ما فاتک باللیل ، فاقضه بالنهار ؛ قال الله تبارک و تعالی : " و هو الذی جعل اللیل و النهار خلفة... " یعنی أن یقضى الرجل ما فاتته باللیل بالنهار ؛ و ما فاتته بالنهار باللیل... " امام صادق (ع) (حر عاملی، ج ۳، ص ۲۰۰)

" من فاتته شیء من اللیل أن یعمله ، أدركه بالنهار ؛ و من فاتته شیء من النهار أن یعمله ، أدركه باللیل " . ابن عباس، (سیوطی، ج ، ص)

(۲) مبانی مدیریت زمان از منظر اسلام:

مقدمه : قرابت کاربردی مفهوم مبانی با مفهوم سیاستگذاری کلان و ارائه الگو:

همانطور که در ابتداء مقاله گذشت : مبانی مدیریت زمان در اسلام ، ناظر به سیاستهای راهبردی و ارائه الگوی مدیریت زمان شبانه روزی و هفتگی ، و نظام سالیانه می باشد که در دو محور ذیل ، مورد بحث قرار گرفته است :

۱/۲. مبانی و الگوی کلی شبانه روزی و هفتگی مدیریت زمان از نظر اسلام :

به جهت تقدم ارزشهای معنوی بر ارزشهای مادی ، ابتداء ، نظام اوقات معنوی، تنظیم می شود .

سپس ، نظام اوقات اشتغال ، سامان می یابد ؛ چراکه ، بدون شغل و درآمد ، نیاز های اولیه خوراک ، پوشاک ، مسکن ، و سائل زندگی و غیره ، تأمین نخواهد شد .

" نظام اوقات تغذیه و لذت‌های حلال و استراحت " ، طبعا ، از پی " نظام اوقات معنوی و اشتغال " ، مقرر می شود ؛ چراکه ، پس از کسب درآمد ، اولین ضرورت ، برطرف کردن " نیاز تغذیه و لذت‌های حلال " و سپس ، " استراحت " ، می باشد ؛ و طبعا ، بر " تفریحات و ارتباطات اجتماعی " ، تقدم خواهد داشت ؛ همانگونه که به این نکته ، در حدیث تقسیم اوقات ، " حدیث امام رضا (ع) " ، نیز تذکر داده شده بود :

۱/۱/۲ . الگوی زمانی امور معنوی :

الگوی زمانی امور معنوی ، شامل اوقات نمازهای یومیه و نافله ، تلاوت قرآن ، تهذیب نفس ، و محاسبه نفس ، دعا و مناجات ، و تفکر خلاق در امر دنیا و آخرت و جمع بین آن دو ، می باشد :

۱/۱/۱/۲ . اوقات نماز :

نماز ، برترین خدمت و عبادت معنوی است که همتایی ندارد ؛ و مهمترین بستر ساز کسب فیض معنوی و مدیریت شهودی است :

" إن طاعة الله عز وجل ، خدمته فی الأرض ، و لیس شیء من خدمته يعدل الصلوة ، فمن ثم نادت الملكة زكريا و هو قائم یصلی فی المحراب " (حر عاملی، ج ۳، ص ۲۶-۲۷)

پس اولین تنظیم ، در نظام اوقات معنوی ، طبعا ، اوقات نمازهای واجب پنجگانه شبانه روز است ؛ که دارای انعطاف وقتی مقرر می باشد :

" أقم الصلوة لدلوك الشمس إلى غسق الليل و قرآن الفجر؛ إن قرآن الفجر كان مشهودا " (اسراء/۷۸)

مقصود از " لدلوك الشمس " ، آغاز زوال خورشید (هنگام نماز ظهر) ، و " غسق الليل " سیطره تاریکی (نیمه شب ، پایان وقت نماز عشاء) ، و " قرآن الفجر " ، نماز صبح می باشد؛ که در مجموع ، آیه شریفه ، به نمازهای پنجگانه شبانه روزی ، اشاره دارد ؛ و اول وقت نماز صبح ، مورد تأکید ویژه است : " إن قرآن الفجر كان مشهودا " : (نوری، ج ۳ ، صص ۱۱ ، ۱۲۱-۱۲۴ ، ۱۳۲-۱۳۳).

در فرهنگ شیعه ، بر اساس سیره قطعی پیامبر خدا (ص) و رهنمود الهی معصومین (ع) ، جهت رعایت طاقت عموم ، ادای این نماز ها ، به سه نوبت ، امکان تقلیل یافته است ؛ و جمع بین نماز ظهر با عصر ، و مغرب با عشاء ، مجاز شمرده شده است :

" إذا زالت الشمس فقد دخل وقت الصلاتين " امام صادق (ع) ، (حر عاملی، ج ۳، ص ۹۳)

" صلى رسول الله (ص) بالناس الظهر و العصر حين زالت الشمس في جماعة من غير علة " امام باقر (ع) ، (همو، ج ۳، ص ۹۲) ، (و نیز ، ر.ک. ، همو ج ۳، صص ۱۶۱-۱۶۲)

از طرفی ، همانگونه که در بحث مراتب دیانت گذشت : رعایت نماز اول وقت ، به عنوان یک سنت در اخلاق دینی جامعه ، و از ویژگی برجسته اهل ایمان ، و شیعیان ، مورد تأکید قرآن است :

" و الذين هم على صلواتهم يحافظون " (مؤمنون/۹)

و در سنت معصومین(ع) ، بعنوان یکی از سه ویژگی شیعیان ، قبل از احسان به پدر و مادر ، و جهاد در راه خدا ، تعریف شده است :

" سألت رسول الله(ص) ، أي الأعمال أحب إلى الله ؟ ؛ قال : الصلوة لوقتها ، قلت : ثم أي شيء ؟ ؛ قال : برّ الوالدين ؛ قلت : ثم أي شيء ؟ ؛ قال : الجهاد في سبيل الله " ابن مسعود از پیامبر(ص) ؛ (حرعاملی ، ج ۳ ، ص ۸۲)

و اساسا، شیعه بودن با این ویژگی ، مورد آزمون و شناسایی قرار می گیرد! :

"إمتحنوا شیعتنا عند مواقیت الصلوة کیف محافظتهم علیها " . (همو ، ج ۳ ، ص ۸۳)

و نیز، اول وقت نماز نسبت به آخرش ، برتر از مال و فرزند ، و همچون برتری آخرت بر دنیا ، تعریف شده است ! :

" لفضل الوقت الأول على الأخير، خير للرجل من ولده و ماله ! " امام صادق(ع) ، (همو، ج ۳ ، ص ۸۹).

" إن فضل الوقت الأول على الآخر، كفضل الآخرة على الدنيا " امام صادق (ع) (همو ، ج ۳ ، ص ۹۰)

و نیز، اول وقت، موجب کسب رحمت ویژه و رضوان الهی و آخر وقت ، مورد عفو و گذشت اعلام شده است که گویای نوعی تقصیر و گناه می باشد ؛ ولذا جایز نیست انسان مؤمن بدون عذر ، نماز اول وقت را ترک کند :

" أوله رضوان الله، و آخره عفو الله، و العفو لا يكون إلا من ذنب " امام صادق(ع)، (همو ، همان).

" سمعته يقول : لكل صلوة وقتان ، و اول الوقت أفضله ؛ و ليس لأحد أن يجعل آخر الوقتين وقتا إلا في عذر من غير علة " عبدالله سنان از امام صادق(ع) (همو، ج ۳ ، ص ۸۹)

" خرج الرضا(ع) يستقبل بعض الطالبين و جاء وقت الصلوة ، فمال إلى قصر هناك، فنزل تحت صخرة فقال : أدن ، فقلت : ننتظر يلحق بنا أصحابنا ، فقال : غفر الله لك ! ، لا تؤخرن صلوة عن أول وقتها إلى آخر وقتها من غير علة ، عليك أبدا بأول الوقت ، فأذنت ، و صلينا " (مجلسی ، ج ۸۳ ، ص ۲۱)

و نیز از بسترهای حفظ حداقل حیاة معنوی ، و پرهیز از غفلت از معیارها ، معرفی شده است :

" أيما مؤمن حافظ على الصلوات المفروضة فصلاها لوقتها فليس هذا من الغافلين " (همو ، همان ، ص ۷۹)

و نیز ، موجب رفاقت با ملك الموت و تلقین شهادتین از جانب ملك ، و طرد ابلیس از بالین او ، در هنگام مرگ ، خواهد بود :

" إن ملك الموت قال إنه ليس في شرقها و غربها اهل بيت مدر و لا وبر إلا و أنا اتصفحهم في كل يوم خمس مرات، فقال رسول الله(ص): إنما يتصفحهم في مواقیت الصلوة ؛ فإن كان ممن يواظب علیها عند مواقيتها لفته شهادة أن لا إله إلا الله و أن محمدا رسول الله(ص) و نحى عنه ملك الموت إبليس " امام صادق(ع) (همو ، ج ۳ ، ص ۷۹) .

در مقابل ، از تأخیر اول وقت نماز، نهی شدید شده است ؛ و تساهل در آن ، نوعی اعراض از نماز و سبک شمردن آن ، تلقی شده است! ؛ آنچنانکه در سوره ماعون آمده است :

" ليس عمل أحب إلى الله عزّ وجلّ من الصلوة؛ فلا يشغلنكم عن أوقاتها شيء من أمور الدنيا ، فإن الله ذم أقواما فقال : " الذينهم عن صلوتهم ساهون " ، یعنی آنها غافلون ، استهانوا بأوقاتها... " علی (ع) (همو، ج ۳، ص ۸۲)، (و نیز، همو ، ج ۳، صص، ۸۷ ، ۹۱ ، ۱۵۱)

و نیز زمینه ساز نفوذ شیطان در فکر و دل فرد بی مبالا به اوقات ، و جرئت دادن او به گناهان بزرگ ، معرفی شده است ! ؛ حال آنکه شیطان ، نسبت به مؤمن مراقب اوقات نماز ، در ترس و وحشت بسر می برد ! :

" لا يزال الشيطان ذعرا من المؤمن ما حافظ على الصلوات الخمس لوقتهن ، فإذا ضيعهن تجرأ عليه فأدخله في العظام ! " رسول الله (ص) (حر عاملی، ج ۳، ص ۱۸ و ۸۱)

با توجه به نکات فوق ، ضرورت دارد : " سیاست تنظیم اوقات اشتغال ، بر اساس فرصت دادن به جامعه ، جهت ادای نماز اول وقت ، تنظیم شود ؛ و در شرائط معمول و غیر اضطراری ، به هیچ وجه ، ساعت کاری الزامی به جامعه ، اعم از اداری ، آموزشی، و غیره ، در این اوقات ، تعریف نشود ؛ همانگونه که فرهنگ دینی بر این معنا ، تأکید دارد " : " عادت پیامبر خدا (ص) چنان بود که ، هرگز ، شام و غیر شام را بر نماز مقدم نمی نمود ؛ و هرگاه وقت نماز می رسید ، چنان حالتی به او دست می داد ، تو گویی نه خانواده ای می شناسد و نه رفیق دلسوزی ! " :

" كان رسول الله (ص) لا يؤثر على الصلوة عشاء ولا غيره ؛ و كان إذا دخل وقت الصلوة ، كأنه لا يعرف أهلا ولا حميما ! " علی (ع) (ری شهری ، ج ۷ ، ص ۳۰۹۴)

همانگونه که امام راحل (ره) ، نیز ، بر رعایت این نکته تأکید فراوان داشتند ؛ و رهبری معظم نظام نیز ، این چنین می باشند :

" به نماز نگویید کار دارم ، به کار بگویید وقت نماز است " امام (ره)

این نظام نماز اول وقت سه گانه : " صبح " ، " ظهر و عصر " ، و " مغرب و عشاء " ، نظام تخفیفی جهت عموم جامعه می باشد .

لیکن لااقل ، خواص جامعه نخبگان فرهنگی و مدیران ارشد فرهنگی و اجرایی نظام اسلامی ، به عنوان پرچمداری الزامات اهل ایمان ، توصیه به رعایت اوقات پنجگانه شده اند ؛ مگر آنکه حضور در نماز جماعت ، و یا عذری از قبیل سفر ، بیماری جسمی و یا بحران روحی روانی ، اضطرار شغلی ، جو نامساعد و غیره در میان باشد ؛ که موجب جمع میان ظهر و عصر، و مغرب و عشاء، و یا تأخیر نماز گردد :

" كان رسول الله (ص) إذا كان في سفر أو عجلت به حاجة يجمع بين الظهر والعصر، و بين المغرب والعشاء الآخرة... " امام صادق (ع) (همو، همان، ص ۱۵۹)

" أن رسول الله (ص) جمع بين الظهر والعصر، و المغرب و العشاء عام تبوك " (همو، همان، ص ۱۶۰).

" كان رسول الله (ص) يجمع بين المغرب و العشاء في الليلة المطيرة ، فعل ذلك مرارا " (همو، همان).

" صلى بنا أبو عبدالله (ع) الظهر و العصر عند ما زالت الشمس بأذان و إقامتين؛ و قال: إني على حاجة ففتنلوا " (همو، همان ، ص ۱۵۹)

" تفرق ما كان في يدي و تفرق عني حرفائي فشكوت إلى أبي محمد (ع) ، فقال : اجمع بين الصلوتين الظهر و العصر، ترى ما تحب " (همو، همان، ص ۱۶۲)

لهذا با این بینش ، جمع بین نمازها در شرائط عادی ، سیاست دینی برای ضعفاء و نوجوانان معرفی شده است تا که از اداء نمازها باز نمانند :

" أنه (الباقر"ع") كان يأمر الصبيان يجمعون بين الصلوتين : الأولى و العصر، و المغرب و العشاء ، يقول : ماداموا على وضوء قبل أن يشتغلوا " (همو، همان، ص ۱۶۰)

در نامه امیر مؤمنان (ع) به کارگزاران و فرمانروایان مناطق ، فرمان اقامه نماز در اوقات پنجگانه صادر شده است :

" أما بعد ؛ فصلوا بالناس الظهر حتى ... و صلوا بهم العصر ... و صلوا بهم المغرب ... و صلوا بهم العشاء ... و صلوا بهم الغداة ... و صلوا بهم صلوة أضعفهم ، و لا تكونوا فتانين " (سید رضی، نامه ۵۲)

۲/۱/۱/۲. اوقات تلاوت قرآن ، دعا و مناجات ، محاسبه و تهذیب نفس ، و تفکر خلاق :

در فرهنگ اسلامی ، خصوصا ، قرآن کریم ، سه وقت ویژه ، جهت بهره برداری معنوی ، مورد تأکید می باشد :

• مابین الطلوعین

• قبل از غروب

• بعد از نیمه شب

وقت اول و دوم ، عموما ، ملازم یگدیگر مورد توصیه می باشند ؛ وقت سوم ، مهم ترین وقت معنوی است که در فرهنگ معنوی دینی مطرح است :

۱/۲/۱/۱/۲. مابین الطلوعین : از طلوع فجر تا طلوع آفتاب :

ما بین الطلوعین از اوقات مهم خود سازی معنوی ، تلاوت قرآن ، ذکر و مناجات با خدا ، حسابرسی اعمال ، عذر خواهی به درگاه خدا و جبران مافات و طلب توفیق عمل صالح است و توصیه شده است مبادا از آن ، غفلت شود :

" واذکر ربک فی نفسک تضرعا و خیفۃ و دون الجهر من القول بالغدو و الاصل و لا تکن من الغافلین " (اعراف/۲۰۴)

در خصوص قرائت قرآن ، مطالعه منظم حداقل ۱۰ آیه قرآن ، در شبانه روز ، خصوصا در تعقیب نماز ، مورد تأکید است تا که حداقل حیات معرفتی معنوی تداوم یابد :

" من قرأ عشر آیات فی لیلة لم یکتب من الغافلین " (حرعاملی، ج ۴، ص)

نتیجه معرفتی این برنامه منظم ، مطالعه کل قرآن در کمتر از دو سال می باشد که تکرار منظم آن ، برکات معرفتی عظیمی را برای اهل ایمان ، خصوصا مدیران جامعه ، در بر دارد.

از برکات نظم مطالعاتی قرآن ، نگرش سازمان یافته و جامع و متعادل دینی است که جامعه و مدیران را از بخشی نگری و افراط و تفریط دینی مصون می دارد.

این برنامه معنوی، زمینه ساز صبر و مقاومت در برابر مشکلات و نارساییها و مخالفتها می باشد ؛ و رضایت شغلی حاصل از انجام وظیفه را در پی دارد :

" فاصبر علی ما یقولون و سبح بحمد ربک قبل طلوع الشمس و قبل غروبها و من آناء اللیل فسبح و اطراف النهار لعنک ترضی " (طه/۱۳۰)

" فاصبر علی ما یقولون و سبح بحمد ربک قبل طلوع الشمس و قبل الغروب و من اللیل فسبحه و أدبار السجود " (ق/۳۹-۴۰)

یاد خدا و تذکر به شئونات و حضور الهی در صحنه ها ، توان استقامت و نفوذ ناپذیری در برابر آلودگان و از حق گریزان مخالف حق را فراهم می نماید :

" واصبر لحکم ربک فانک بأعیننا ، و سبح بحمد ربک حین تقوم و من اللیل فسبحه و إدبار النجوم " (طور/۴۸-۴۹)

" فاصبر لحکم ربک ولا تطع منهم آثما أو کفورا ؛ واذکر اسم ربک بکرة و أصیلا ؛ و من اللیل فاسجد له و سبحه لیلا طویلا " (انسان/۲۴-۲۶)

آیه فوق ، نیز، استفاده معنوی از سه وقت ویژه را تذکر می دهد.

" و سبح بحمد ربک بالعشی و الإبکار " (غافر/۵۵)

" واذکر اسم ربک کثیرا و سبح بالعشی و الإبکار " (آل عمران/۴۱)

در آیاتی دیگر، از جمله برکات استفاده معنوی از اوقات مابین الطلوعین و قبل از غروب، زمینه سازی بهره مندی از نعم بزرگ ، همچون رهبری الهی (مانند تولد حضرت یحیی در آیه اول) ، دستگیری الهی در دوری روز افزون از جهالتها ، غفلتها، و خبائثها (الظلمات) ، معرفی شده است:

" فأوحی إلیهم أن سبحوا بکرة و عشیا " (مریم/۱۱)

" یا ایها الذین آمنوا اذکروا الله ذکرنا کثیرا و سبحوه بکرة و اصیلا ؛ هو الذی یصلی علیکم و ملانکتہ لیخرجکم من الظلمات إلی النور؛ و کان بالمؤمنین رحیما " (احزاب/ ۴۱-۴۳)

در آیه دیگر، رهنمودهای دینی و وجود پیامبر خدا (ص) را بعنوان الگوی عملی الهی برای نجات و رستگاری، زمینه مناسبی برای بهره مندی معنوی از اوقات ویژه ، معرفی می نماید :

" إنا أرسلناک شاهدا و مبشرا و نذیرا ؛ لتؤمنوا بالله و رسوله و تعزروه و توقروه و تسبحوه بکرة و اصیلا " (فتح/۸-۹)

از آیه فوق ، معلوم می شود :

" آموزه های دینی و این برنامه معنوی اوقات ویژه ، از بسترهای قوی شکل گیری "خود کنترلی" ، حسن جریان " اخلاق و معنویت در سازمانها و جامعه" ، و یکی از زمینه های مناسب توانمندی معنوی برای " مدیریت شهودی" در سطح خرد و کلان می باشد ؛ امری که علم مدیریت تهی از آموزه های دینی الهی ، فاقد آن است.

در فرهنگ دینی ، در شرائط اختیاری و عادی ، فعالیت اقتصادی در مابین الطلوعین و خواب و استراحت ، از بدترین ساعات اشتغال دنیوی و استراحت ، و شوم ، معرفی شده است که موجب بی برکتی در رزق ، و موجب کسالت و ضعف جسمی و روحی می گردد :

" نوم الغداة مشومة تطرد الرزق ، و تصفر اللون و تقبحة و تغیره ، و هو نوم كل مشوم ؛ إن الله تعالى يقسم الأرزاق ما بین طلوع الفجر إلى طلوع الشمس ، فإياكم و تلك النومة " امام صادق (ع) ، (حرعاملی، ج ۴، ص ۱۰۶۳)

و حتی زمین نیز ، از این امر ، به خدا شکایت می برد ! :

" ما عجت الأرض إلى ربها كعجيجها من ثلاثة : ... و النوم عليها قبل طلوع الشمس ! " پیامبر(ص) (حویزی، ج ۵، ص ۱۱۸)

و برعکس ، بیدار باش و برنامه معنوی در این ساعت ، برترین فعالیت زمینه ساز توفیق و برکت اقتصادی و نشاط جسمی و روحی ، در فعالیت روزانه تعریف شده است :

" إن الله يحب من عباده المؤمنین كل عبد دعاء ، فعليكم بالدعاء في السحر إلى طلوع الشمس ، فإنها ساعة تفتح فيها ابواب السماء ، و تقسم فيها الأرزاق، و تقضى فيها الحوائج العظام " امام باقر (ع) (کلینی، ج ۲، ص ۴۷۸)

" و اطلبوا الرزق فيما بین طلوع الفجر إلى طلوع الشمس ، فإنه أسرع في طلب الرزق من الضرب في الأرض ، و هي الساعة التي تقسم الله فيها الرزق بين عباده " علی (ع) (حویزی ، ج ۵ ، ص ۱۱۸)

در احادیث ، اثر ذکر و دعا و استغفار و تلاوت قرآن در این ساعت، در جهت خیر و برکت اقتصادی، قوی تر و سریعتر و بیشتر از اقدام اقتصادی همچون در نوردیدن سرزمینها و دریاها ، معرفی شده است ؛ بلکه این نتیجه بخشی اقتصادی ، بی همتا تلقی شده است :

" الجلوس بعد صلوة الغداة في التعقيب و الدعاء ، حتى تطلع الشمس ، أبلغ في طلب الرزق من الضرب في الأرض " امام صادق(ع) (حرعاملی، ج ۴، ص ۱۰۳۵)

" الجلوس في المسجد ، بعد طلوع الفجر إلى طلوع الشمس ، أسرع في طلب الرزق من الضرب في الأرض " علی(ع)، (همو، ج ۴، ص ۱۰۳۷)

" لجلوس الرجل في دبر صلوة الفجر إلى طلوع الشمس ، أنفذ في طلب الرزق من ركوب البحر " امام صادق(ع) ، (همو، همان)

" عن عبد الله بن يعفور أنه قال للصادق(ع): جعلت فداك يقال : ما استنزل الرزق بشيء مثل التعقيب فيما بین طلوع الفجر إلى طلوع الشمس؛ فقال : أجل " (همو، ج ۴، ص ۱۰۳۶)

استفاده از تنفس صبح و نسیم سحری روح افزا در ساعت مابین الطلوعین ، نیز دلیل دیگری برای بیدار باش ، می باشد که از باب اهمیت ویژه ، در قرآن بدان قسم یاد شده است :

" والصبح إذا تنفس " (تکویر/ ۱۸)

تحقیقات علمی نیز ، ضرورت بیدار باشی در این وقت را که اکسیژن به حداکثر میزان شبانه روزی اش می رسد ، توصیه می کند.

لازم به تذکر است که : در درجه اول ، مراد از اهتمام به وقت مابین الطلوعین ، برای عموم مردم ، در شرائط عادی ، توفیق اقامه نماز اول وقت صبح و بیدار باشی و عدم خواب است ؛ در درجه دوم ، استفاده معنوی با ذکر و دعا و تلاوت قرآن می باشد ؛ که نوعا ، تمام وقت را در بر نمی گیرد ؛ طبعا ، وقت الباقی ، فرصت مناسبی برای صبحانه ، خواهد بود ؛ تا که از طلوع آفتاب ، اشتغال اقتصادی ، اداری و یا آموزشی ، آغاز گردد.

نکته دیگر آن است که : در احادیث ، حرکت به سوی اقتضانات زندگی ، توأم با ذکر و دعا، با حفظ وضوء ، بعد از نماز واجب ، از مصادیق تعقیبات نماز، و برنامه معنوی تعریف شده است :

" قلت لأبی عبدالله(ع) : إني أخرج في الحاجة، و أحب أن أكون معقبا ؛ فقال : إن كنت على وضوء فأنت معقب " (حرعاملی، ج ۴، ص ۱۰۳۴)

" حماد بن عیسی أنه قال لأبی عبدالله(ع) : تكون للرجل الحاجة يخاف فوتها ، فقال : يدلج و لیذکر الله عزّ و جلّ ، فإنه فی تعقیب مادام علی وضوءه " (همو، همان)

" المؤمن معقب مادام علی وضوءه " امام صادق(ع)، (همو، همان)

لذا با حفظ این شرائط ، بخشی از وقت مابین الطلوعین، می تواند جهت رسیدن به محل کار یا تحصیل ، صرف گردد .

۲/۲/۱/۱/۲. قبل از غروب : بعد از عصر تا غروب (حدود يك ساعت) :

همانگونه که گذشت : برنامه معنوی قبل از طلوع و قبل از غروب ، عموما مشابه یگدیگر است :

" واذکر ربک فی نفسک تضرعا و خیفة و دون الجهر من القول بالغدو و الأصال و لا تکن من الغافلین " (اعراف/۲۰۴)

" فاصبر علی ما یقولون و سبح بحمد ربک قبل طلوع الشمس و قبل غروبها و من آناء اللیل فسبح و اطراف النهار لعلک ترضی " (طه/۱۳۰)

و لیکن از ویژگی های قبل از غروب ، محاسبه اعمال روزانه ، و به شکل نمادین توجه به گذر عمر و نزدیک شدن به غروب عمر و زمان مرگ ، و اندیشه پیرامون وضعیت توشه عمل، برای حسابرسی الهی است ؛ لذا هماهنگ با طبیعت ، نوعی دلشورگی و غربت رفتن از دار دنیا به انسان دست می دهد ، اگر با خود و خدای خویش خلوت کند و به دنیا ، مشغول نگردد :

" فلا أقسم بالشفق و اللیل و ما وسق لترکین طبقا عن طبق " (انشقاق / ۱۵- ۱۹)

" إذا تغیرت الشمس فاذکر الله عز و جل و إن كنت مع قوم یشغلونک فقم و ادع " امام صادق(ع) (کلینی، ج ۲، ص ۵۲۴)

با این نکته ، استفاده از وقت معنوی قبل از غروب و خلوت با خویش از مهم ترین اوقات محاسبه فعالیت های دنیوی و اخروی ، و ارزیابی عملکرد می باشد.

آنکه خود را در دنیا مسافر می بیند نه مقیم ، دائما دغدغه اصلاح عملکرد و تحول بهینه با بهره وری هرچه بیشتر در دنیا در راستای آخرت را با خود دارد و به شرائط جاری قناعت نمی کند و از تلاش برای رشد و تعالی باز نمی ایستد .

پس ، از برکات ویژه استفاده از این دو وقت ، خصوصا قبل از غروب ، ارزیابی و نقد اهداف ، برنامه ها و عملکردها ، و اصلاح آنها ، به عنوان سیره دائمی اهل ایمان ، خصوصا مدیریت اسلامی ، خواهد بود.

۳/۲/۱/۱/۲. بعد از نیمه شب ، خصوصا، ثلث آخر شب :

در فرهنگ الهی قرآن و سنت معصومین(ع) ، شب زنده داری ، خصوصا ، در ثلث آخر شب ، مهم ترین وقت معنوی، به شمار می آید ؛ که از برنامه های آن ، نماز شب ، ژرف اندیشی در قرآن (تدبر و ترتیل) ، تفکر خلاق و اندیشه های قوام یافته ، و تصمیم سازی و تصمیم گیری حکیمانه و قاطع می باشد :

" یا ایهاالمزمل قم اللیل إلا قليلا نصفه أو انقص منه قليلا أو زد علیه و رتل القرآن ترتیلا ؛

إنا سنلقى علیک قولاً ثقیلاً ؛ إن ناشئة اللیل هی أشد وطءاً و أقوم قیلاً ؛ إن لک فی النهار سبحاً طویلاً
" (مزمل/۱-۷)

تعبیر " انا سنلقى علیک قولاً ثقیلاً " ، دلیل ضرورت شب زنده داری و ژرف اندیشی و سیردر حقائق قرآنی را توانا شدن برای حمل بار مسئولیت عظیم مدیریت و رهبری الهی جامعه بشری، برای پیامبر اسلام (ص) ، معرفی می کند.

مفهوم " ناشئة " ، از مصدر " نشأت " ، آفرینش و پرورش را افاده می کند : (راغب اصفهانی ،ص ۵۱۳) ؛ و مقصود از " ناشئة اللیل " خلاقیت و آفرینش فکری و ارادی رو به قوت و اشتداد است که در دل شب ، شکل می گیرد .

تعبیر " إن ناشئة اللیل هی أشد وطءاً و أقوم قیلاً " ، دلیل دوم ، شب زنده داری و انس عمیق قرآنی را تذکر می دهد که این وقت ، از ویژگی خاصی در شکل گیری اندیشه های قوام یافته و تصمیمات محکم و قاطع برخوردار است .

این دو نکته ، هم گویای بهترین وقت مطالعه قرآن و استخراج اندیشه قوام یافته دینی، و هم بهترین وقت اندیشه در چگونگی برنامه ریزی در حوزه های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی و خصوصا، سازمانی بر مبنای قرآن ، و چگونگی تصمیم گیری و اجرای آن می باشد.

تعبیر " إن لک فی النهار سبحاً طویلاً " دلیل سوم شب زنده داری را تذکر می دهد که ، روز ، وقت مناسب عمل و اجراء است و نه وقت اندیشه و تصمیم گیری! ؛ و تلاش و تحرک فراوان عملی ، فراغت فکری را سلب ، و اجازه اندیشه عمیق و پخته را به انسان ، خصوصا مدیریت نمی دهد .

تعبیر " المزمل " از واژه " زمل " است ، که معنی " ثقل و سنگینی " را افاده میکند (ابن فارس، ج ، واژه زمل) ؛ پس ، خطاب به پیامبر خدا(ص) با تعبیر " یا ایها المزمل " بجای خطاب " یا ایهاالنبی " و " یا ایها الرسول " ، به ثقل و سنگینی مسئولیت پذیرفته شده ، آنهاهم با کمال میل و آمادگی، اشاره دارد ؛ مسئولیتی که شب قبل(شب بعثت) برعهده پیامبر(ص) گذاشته شده است:

" ای کسی که با کمال میل و آمادگی، مسئولیت سنگین مدیریت و رهبری الهی را بر عهده گرفته ای ، برخیز و به توانمند کردن هر چه بیشتر خویش برای ادای حق این مسئولیت عظیم الهی ، با شب زنده داری و تدبر و ترتیل قرآن اقدام نما "

با این توجه ، معلوم می شود : این رهنمود شب زنده داری مخصوص پیامبر خدا (ص) نیست بلکه ، جزء برنامه های اساسی مدیریت و رهبری اسلامی است ؛ همانگونه که در آخر همین سوره تذکر می دهد : در این برنامه شب زنده داری و فعالیت فکری و معنوی ، عده ای از اهل ایمان به عنوان هسته های اولیه مدیریت نظام اسلامی ، پیامبر خدا(ص) را همراهی می نمودند :

" إن ربك يعلم أنك تقوم أدنى من ثلثي الليل و نصفه و ثلثه و طائفة من الذين معك ... " (مزم/۲۰)

و اساساً، به بیان امیر مؤمنان (ع) ، خودسازی معنوی از رسالتهای مدیریت اسلامی است و اختصاصی به پیامبر(ص) و معصوم (ع) ندارد :

" من نصب للناس اماماً فليبدأ بتعليم نفسه ، قبل تعليم غيره... " (سید رضی، نهج، حکمت ۷۳)

در آیه ای دیگر، از برکات مادی معنوی غیر قابل تصور این شب زنده داری ، برای اهل تهجد و بهره مندان از شب ، خبر می دهد ! :

" تتجافى جنوبهم عن المضاجع يدعون ربهم خوفاً و طمعا و مما رزقناهم ينفقون فلا تعلم نفس ما أخفى لهم من قرة أعين جزاء بما كانوا يعملون " (سجده/ ۱۶-۱۷)

و در سوره ذاریات از این شب زنده داری ، به عنوان سنت دائمی محسنان ، یاد می کند:

" إنهم كانوا قبل ذلك محسنين كانوا قليلاً من الليل ما يهجعون و بالأسحار هم يستغفرون " (ذاریات/ ۱۵- ۱۷)

همانگونه که به شهادت همسر حضرت امام ره ، در طول ۶۰ سال زندگی با ایشان ، حتی یک شب، نماز و شب زنده داری حضرت امام ترک نشد.

و همانگونه که علامه طباطبایی از استادش، آیه سید علی قاضی ، عارف بزرگ نقل می کند که فرمود:
" پسر من دنیا می خواهی نماز شب(را ملتزم باش) ؛ آخرت را می خواهی نماز شب".

از این سخنان عارفان اهل قرآن ، معلوم می شود :

" از لوازم و مقومات مدیریت و رهبری قابل قبول الهی ، التزام به بهره مندی از نماز شب و انس با قرآن است که حداقل ، مدیران ارشد نظام ، از مدیران کل گرفته تا رهبری نظام ، عناصر اتاقهای فکر نظام ، نمایندگان مجلس ، شورای نگهبان ، تشخیص مصلحت ، انقلاب فرهنگی و ... را در بر می گیرد " .

" این نکته زمانشناسی مناسب تفکر خلاق و تصمیم گیری ، از مختصات فرهنگ اسلامی است که هنوز در کتب تفکر خلاق و مباحث تصمیم گیری در علم مدیریت ، به عنوان مهم ترین وقت اندیشه سازی و تصمیم سازی و تصمیم گیری مورد توجه واقع نشده است " .

لازمه استفاده از این وقت ذی قیمت برای اهل ایمان ، خصوصاً برای مدیران فرهنگی و اجرایی نظام اسلامی ، تغییر اساسی در الگوی ساعات اشتغال می باشد ؛ که در محور بعد ، توضیح آن می آید.

۲/۱/۲. الگوی زمانی اشتغال و رفع نیازهای معیشتی :

این نظام ، به دو بخش قبل از ظهر و بعد از ظهر تقسیم می شود :

۱/۲/۱/۲. قبل از ظهر: از طلوع آفتاب تا حداکثر نیم ساعت به ظهر:

تلاش اقتصادی اداری و یا آموزشی از صبح زود ، مورد تأکید فرهنگ دینی می باشد ؛ که از نظر طبیعت نیز، در بهترین زمان با بیشترین اثر بخشی و کارایی همراه است :

" إن الله تبارک و تعالی لیحبّ الإغتراب فی طلب الرزق " امام صادق(ع) ، (همو ، ج ۱۲ ، ص ۵۰)

" إن رسول الله (ص) قال : اللهم بارک لأمتی فی بکورها " امام صادق(ع) ، (همو،همان)

" و قال (ص) : إذا أراد أحدکم الحاجة فلیبکر إليها ؛ فإني سألت ربّي عزّ و جلّ أن یبارک لأمتی فی بکورها " (همو،همان)

" تعلموا من الغراب ثلاث خصال : ... و بکورها فی طلب الرزق ... " امام صادق(ع) ، (همو،همان)

" إذا صلیتم الصبح فانصرفتم فبکروا فی طلب الرزق و اطلبوا الحلال، فإن الله سیرزقکم و یعینکم علیه " امام صادق(ع) ، (حرعاملی ، ج ۱۲ ، ص ۱۲)

" إني لأرکب فی الحاجة ... ما أركب فیها إلا الائتماس ان یراني الله أضحی فی طلب الحلال ، اما تسمع قول الله عزّ و جلّ : فإذا قضیت الصلوة فانتشروا فی الأرض و ابتغوا من فضل الله " امام صادق(ع) ، (همو، ج ۱۲ ، ص ۱۶)

" کان علي بن الحسين(ع) إذا أصبح خرج غادیا فی طلب الرزق ... " (همو، ج ۱۲ ، ص ۴۳)

مقصود از " بکور" ، و " إغتراب" ، به قرینه لغت و روایات ما بین الطلوعین ، صبح زود اول طلوع آفتاب می باشد(راغب اصفهانی،ص ۵۵) ؛ وقتی که کلاغ (غراب) برای تغذیه به پرواز در می آید.

پس ، با توجه به برنامه معنوی ما بین الطلوعین و امور شخصی ، آغاز ساعت اشتغال ، طبعا ، از طلوع آفتاب شروع شده ، تا حدود نیم ساعت به ظهر ادامه می یابد.

این نیم ساعت برای آن است که حدود یک ربع تا بیست دقیقه، قدری استراحتی صورت گیرد تا که با حداقل نشاط و حضور قلب، نماز اول وقت ظهر و عصر (برای عموم، وجماعت) برگزار گردد.

چرا که فرد مسلمان ، با الگوی مطرح شده ، حداقل از طلوع فجر ، بیدار بوده ، تا این وقت مجموعه فعالیت‌هایی را صورت بخشیده است که خستگی حاصل از آن را ، در این وقت قریب به ظهر ، به همراه دارد ؛ پس نیازمند اندکی استراحت می باشد .

خصوصا ، برای مدیریت فرهنگی و مدیریت ارشد اجرایی ای که حداقل ، از نیم تا یک ساعت قبل از فجر ، بیدار بوده است ، این استراحت ، ضرورت ویژه می یابد ؛ این خواب ، در حوزه های علمیه ، به قیلوله قبل از ظهر ، شهرت دارد.

این بیدار باشی از طلوع فجر تا نیم ساعت به ظهر ، در زمستان ، در کوتاه ترین روز سال (از ۵/۴۵ تا ۱۱/۴۵) ، حدود ۶ ساعت ، و در تابستان ، در بلند ترین روز سال (از ۳ تا ۱۱/۱۵) ، حدود ۸/۱۵ ساعت ، می باشد.

ملاحظه می شود : این استراحت مختصر قبل از ظهری ، در خصوص تابستان ، با حدود قریب به ۸ ساعت فعالیت‌های مختلف ، ضرورت بیشتری می یابد.

۲/۲/۱/۲. بعد از ظهر : ۱/۵ الی ۲ ساعت بعد از اذان ظهر (پس از نماز ظهر و عصر، نهار و استراحت) تا نیم الی يك ساعت و نیم به غروب :

نماز اول وقت ظهر و عصر ، و نهار ، معمولاً، یک ساعت را در برمی گیرد ؛ نیم تا یک ساعت استراحت بعد از ظهري با توجه به کوتاهی و بلندی روز ، ضرورت دارد؛ توضیح و مستند این ضرورت در مبحث بعد آمده است.

پس فرصت اشتغال بعد از ظهري ، در زمستان ، در کوتاه ترین روز سال ، بعد از نماز ، نهار و استراحت نیم ساعته (۱/۳۰ ساعت) تا حد اقل نیم ساعت به غروب (از ۱۳/۴۵ ، تا ۱۶/۴۵) ، حدود ۳ ساعت مفید می باشد و در تابستان ، در طولانی ترین روز سال، از ساعت ۱۳/۴۵ (با یک ساعت استراحت بعد از ظهري) تا ۱۸/۱۵ (تا یک ساعت و نیم به مغرب) ، ۴/۵ ساعت مفید می باشد ؛ که در مجموع ساعات اشتغال ، از اول آفتاب (۷/۱۵) ، تا نیم ساعت به مغرب (۱۶/۴۵) ، در آغاز زمستان ، حدود ۷/۳۰ ساعت ، و در آغاز تابستان، از اول آفتاب تا یک ساعت و نیم به غروب (از ۵ ، تا ۱۸/۱۵) ، حدود ۱۰/۴۵ ساعت می باشد ؛ که میانگین فعالیت روزانه در طول سال ، حدود ۹/۱۲ ، می باشد که از میانگین فعالیت فعلی بیشتر است ؛ حال آنکه از نظر کیفیت ، نیز ، برتری بی چون و چرایی دارد.

نیم ساعت به مغرب در آغاز زمستان و ۱/۵ ساعت در آغاز تابستان، با توجه به رهنمود بعد از عصر و قبل از غروب در آیات و روایات است که متناسب با کوتاهی و بلندی روز ، حداقل ساعات ، می باشد.

این گونه برنامه ریزی، هر کدامیک از فعالیتهای معنوی و اشتغال را و استراحت نیم روزی را در بهترین زمان خویش ، قرار می دهد ؛ که حتی صرف نظر از رهنمود های دینی ، برای نظام های غیر دینی نیز، دارای بیشترین اثر بخشی را دارا خواهد بود تا چه رسد به اسلام که از جامعیت ویژه توجه به دنیا و آخرت را دارا است.

لازم به تذکر است که : برای تعیین ساعت مقرر آغاز کار صبحگاهی ، می توان ساعت طلوع آفتاب در آغاز هر ماه را مبنای شروع کاری ماهانه قرار داد ؛ که با این روش ، رصد و انس با تحولات طبیعت ، سیره عمومی مردم قرار خواهد گرفت که از اهداف مقدماتی اسلام برای درگیر شدن هر چه بیشتر مردم با تحولات طبیعت و سیر فکری و تأملات نفسانی معنوی در آفاق و انفس می باشد :

" سنریم آیاتنا فی الافاق و فی أنفسهم حتی یتبین لهم أنه الحق ... " (فصلت/۵۳)

۳/۱/۲. الگوی زمانی استراحت و تمدید قوا:

سه وقت استراحت ، در منطق دینی مطرح است :

۱/۳/۱/۲. از ثلث دوم شب تا قبل از فجر :

استراحت شبانه در منطق قرآنی و احادیث مربوطه ، از اوائل ثلث دوم شب تا قبل از فجر تعریف شده است :

" ... و من بعد صلوة العشاء ، ثلاث عورات لکم... " (نور/۵۸)

در روایات تعبیر " بعد صلوة العشاء " بعد از ثلث اول تفسیر شده است :

" ... ثم یلبث حتی یمضی من اللیل، قریب من الثلث، ثم یقوم فیصلی العشاء الآخرة ... ثم یأوی الی فراشه ... فإذا کان الثلث الآخر من اللیل ، قام من فراشه... " امام رضا(ع) ، (حرعاملی، ج ۳، ص ۴۰)

" لا سهر بعد العشاء الآخرة إلا لأحد الرجلين : مصلي أو مسافر " پیامبر(ص) ، (حرعاملی ، ج ۴ ، ص ۱۰۶۹)

برای ایجاد آمادگی ، جهت کفایت استراحت شبانه تا اوائل یا اواسط ثلث سوم شب (بنا بر اقتضانات) ، استراحت نیم روزی ، ضرورت ویژه دارد ؛ و بدون آن ، امکان خیزش در ثلث آخر شب ، نوعا ، وجود نخواهد داشت ؛ این ضرورت در مبحث بعد ، توضیحش آمده است :

۲/۳/۱/۲. خواب قیلولة نیم ساعتی قبل از ظهر:

ضرورت این استراحت مختصر نیم روزی قبل از ظهر، در مبحث اشتغال ، به مناسبت توضیح داده شد.

۳/۳/۱/۲. استراحت نیم تا يك ساعته بعد از ظهر، پس از نماز و نهار:

تغذیه نیم روزی ، امتلاء معده و اشتغال قوای مغزی و عصبی به هضم و جذب غذا ، در کنار خستگی باقی مانده از فعالیت صبح ، میزان هشیاری را کاهش داده ، ضرورت خواب نیم روزی را برای تجدید قوا ، تأکید می کند .

این استراحت نیم روزی ، حتی با لباس راحتی نه با لباس کار ، در قرآن کریم ، بعنوان امری طبیعی ، مورد تأیید قرار گرفته است :

"... و حين تضعون ثيابكم من الظهيرة ... " (نور/۵۸)

در احادیث ، نیز، این خواب نیم روزی ، نعمت الهی تلقی شده است که از برکاتش ، افزایش ضریب هشیاری و حافظه دراز مدت می باشد و برعکس ، خواب اول روز ، مایه آشفتگی و بد خلقی ، و خواب بعد از عصر ، زمینه ساز خرفتی و کم عقلی ، و خواب بعد از نماز مغرب ، موجب محرومیت از رزق الهی ، معرفی شده است :

" أتى أعرابي إلى النبي(ص) فقال : إني كنت ذكورا و إني صرت نسيًا ؛ فقال(ص) : أكنت ثقيل؟؛ قال : نعم؛ قال : و تركت ذلك؟؛ قال : نعم ؛ قال : عد ، فعاد فرجع إليه ذهنه " امام باقر(ع) ، (همو، ج ۴، ص ۱۰۶۶)

" النوم اول النهار خرق ، والقائلة نعمة ، والنوم بعد العصر حمق ، و النوم بين العشاءين يحرم الرزق " (حرعاملی، ج ۴، ص ۱۰۶۸)

این خواب نیم روزی که در فرهنگ دینی ، همان قیلولة بعد از ظهر است ؛ حداقل در مجموع (لباس راحتی ، استراحت ، و آماده شدن به کار بعد از ظهری) ، نیم ساعت را در بر می گیرد.

تحقیقات میدانی غربیان ، نیز ، نشان داده است که نیم ساعت استراحت بعد از ظهری ، حداقل نیمی از قوای از دست رفته صبح را باز یافت می کند ؛ و یک ساعت استراحت بعد از ظهری ، تمام انرژی از دست رفته صبح را احیاء می نماید.

۴/۱/۲. الگوی زمانی ارتباطات انسانی غیر شغلی :

این الگوی زمانی به دو بخش میان هفته و ایام تعطیل شغلی ، خصوصا جمعه ، تقسیم می شود :

۱/۴/۱/۲. اوقات میان هفته فیما بین نظامات زمانی معنوی ، و مادی :

الگوی زمانی ارتباطات انسانی غیر شغلی ، طبعا ، در طول هفته شغلی ، تابع زمان بندی تأمین ضرورت‌های اولیه معنوی ، مادی اشتغال ، لذت حلال (تغذیه و زناشویی و استراحت و ...) می باشد ؛ که بنا بر اقتضائات شخصی و خانوادگی تعریف می شود و نوعا ، خارج از تعریف حکومتی است. ۲/۴/۱/۲ . تعطیلی شغلی روزهای جمعه و برنامه های جایگزین :

روز جمعه ، در فرهنگ اسلامی مهم ترین ایام معنوی شخصی خانوادگی اجتماعی است ؛ لذا سید الایام و روز عید ، لقب گرفته است و حتی افضل از عید فطر و عید قربان معرفی شده است! از این رو ، ارزیابی عملکرد خیر و شرّ مضاعف می باشد :

" الجمعة سید الایام، و أعظمها عند الله عز و جل و هو اعظم عند الله من يوم الفطر و يوم الأضحی ...! " پیامبر(ص) ، (حر عاملی ، ج ۵، ص ۶۷)

" الخیر والشرّ مضاعف فی يوم الجمعة " امام باقر(ع)، (همو، ج ۵، ص ۶۶)

جمعه ، روز ویژه استجاب دعا ، روز ظهور امام زمان(ع) و روز وقوع قیامت می باشد :

" کان علی(ع) یقول: أكثروا المسئلة فی يوم الجمعة و الدعاء؛ فإن فیہ ساعات یتستجاب فیها الدعاء و المسئلة... " (همو، ج ۵، ص ۶۹)

" عن النبی (ص) قال : تقوم الساعة يوم الجمعة بین صلوة الظهر و العصر " امام رضا(ع) ، (همو، ج ۵، ص ۶۶)

" ... یرج قانمنا أهل البیت يوم الجمعة و تقوم القيمة يوم الجمعة... " امام صادق(ع) ، (همو، ج ۵، ص ۶۷)

و نیز روز ویژه نظافت شخصی ، هدیه ، و ارتباطات اجتماعی ویژه در قالب نماز جمعه و غیره می باشد (همو، ج ۵، صص ۶۶، ۷۰، ۷۸).

با توجه به اهمیت ویژه این روز، بر حاکمیت اسلامی است که با فرهنگ سازی اجتماعی و ارزشگذاری معنوی از طریق صدا و سیما و از طریق تسهیلات مادی و پرداختهای ویژه و غیره، در این روز، زمینه های نهادینه کردن اهتمام به روز جمعه را فراهم نماید تا بیشترین بهره وری مادی معنوی جامعه ، در این روز مبارک ، هر چه بیشتر حاصل شود و این خود ، مقدمه حضور پر نشاط در فردای کاری روز شنبه خواهد بود ؛ از جمله لوازم این معنی ، تغییر نظام ساعات در طول هفته ، بر اساس الگوی اسلامی می باشد تا که این روز، بجای حد اکثر بهره وری مادی معنوی ، به رفع خستگی مفرط ایام هفته ، تبدیل نگردد .

۵/۱/۲. نحوه هماهنگی نظام مدیریت ساعات شبانه روزی اسلامی ، با دول دیگر ، در شرائط اختلاف افق :

اختلاف افق ، بین دول ، امری اجتناب ناپذیر می باشد و هرگونه نظام تدبیر ساعات شبانه روز ، به هر حال ، ارتباط مستقیم با بخشی از جهان را ، ناممکن می نماید .

طبعا ، بایستی ، سازمانها را بر اساس ضرورت ارتباط مستقیم با دول ، و میزان ارتباط ، طبقه بندی نمود و بخشی از فعالیت سازمان را به میزان نیاز ، هم به شکل چرخشی نسبت به کارکنان ، و متناسب با کشورهای مقصد ، تمام هفته را ، به صورت انعطاف پذیر ، به دو و یا سه شیفت کاری در شبانه روز ،

تعریف نمود ؛ و هم حضور شغلی در این بخش ، حتی الامکان گردشی تعریف شود ؛ تا به اشتغال طولانی مدت برای افراد خاص، در این بخش ، منجر نگردد.

معمولا ، در اکثر سازمانها یا ضرورت ارتباط با خارج از کشور وجود ندارد ؛ و یا ارتباط مستقیم بالفعل ضرورتی ندارد ؛ لذا بخش کوچکی درگیر ارتباط مستقیم بالفعل خواهد بود که با سیاست یاد شده و یا مشابه آن ، قابل حل و فصل می باشد ؛ و افراد درگیر ارتباط ، جهت تنظیم و تدبیر اوقات ، همان طور که در اصل جایگزینی فعالیتها ذکر شد ، عمل خواهند نمود .

به هر حال ، برای اکثریت قاطع جامعه ، نظام مدیریت اوقات شبانه روزی با تدبیر حاکمیت اسلامی ، قابل اجراء خواهد بود.

۲/۲. مبانی و الگوی کلی سالانه مدیریت زمان از منظر اسلام :

در اسلام ، علاوه بر نظام اوقات معنوی شبانه روز هفتگی ، نظام سالیانه اوقات معنوی طراحی شده است که پاسخی به نیاز معنوی دوره ای انسان می باشد :

۱/۲/۲. الگوی زمانی تهذیب نفس و ... ، و تقلیل یا حذف اشتغال معیشتی :

مهم ترین نیاز معنوی سالیانه ، برنامه عبادی ماه مبارک رمضان می باشد :

۱/۱/۲/۲. روزه ماه رمضان :

برنامه عبادی ماه رمضان ترکیبی از امساک از خوردن و آشامیدن ، و رذائل اخلاقی ، و استغفار ، دعا ، مناجات و نماز ، و اهتمام به امر دردمندان و گرفتاران ، خصوصا فقراء و مساکین دنیا و آخرت ، می باشد.

طبعا، پایه توانمندی برای بهره مندی از این ماه معنوی، روزه شرعی است؛ لذا قدری تقلیل تلاش اقتصادی، برای ایجاد فرصت و توان برای امور معنوی، خصوصا برای مدیران ارشد و نخبگان و سکانداران فرهنگی ، ضروری می باشد .

این تقلیل ساعات فعالیت مادی و افزایش برنامه معنوی، ابتداء، در افزایش کیفیت معنوی و تقوای افراد (روحیه پرهیز از رذائل، و نشاط روزافزون به عمل صالح) ، نقش بارزی دارد ؛ و در میان مدت و دراز مدت ، اثر بخشی و کارایی هر چه بیشتر اقتصادی را نیز در پی خواهد داشت :

" لا یقلّ عمل مع التقوی، و کیف یقلّ ما یتقبل ؟ " . (سید رضی، حکمت ۹۵)

" ولو أن اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الأرض... " (اعراف/۹۶)

۲/۱/۲/۲. شبها و روزهای قدر :

طبعا ، تقلیل ویژه ساعات ، به جهت اهتمام معنوی ویژه شبهای قدر ، در ایام پیرامونی شبهای قدر ، مورد تأکید می باشد.

۳/۱/۲/۲. روز عرفه از ظهر تا غروب :

روز عرفه (ظهر تا غروب روز نهم ذی الحجة) ، بعد از ماه رمضان، از مهم ترین ایام غفران و آمرزش و استجابیت دعاست ؛ لذا ، امام صادق(ع)، فرمودند : کسی که در ماه رمضان آمرزیده نشود ، دیگر آمرزیده نخواهد شد ، مگر اینکه روز عرفه را درک کند :

" من لم یغفر له فی شهر رمضان ، لم یغفر له إلی قابل إلا أن یشهد عرفة " (کلینی، ج ۴ ص ۶۶)

پس ضرورت دارد؛ این روز، تعطیل عمومی اعلام گردد؛ تا به همراه فرهنگ سازی مناسب آن، جامعه اسلامی، از برکات معنوی و فرصت ویژه این بعد از ظهر تا غروب، بهره مند گردند.

۴/۱/۲/۲. اعیاد مذهبی : فطر ، قربان ، غدیر ، شعبان و ... :

۵/۱/۲/۲. اعیاد ملی - مذهبی : نوروز ، ۲۲ بهمن ، ۱۲ فروردین ، و ...

۲/۲/۲. الگوی زمانی استراحت شغلی سالیانه : متناسب با اقتضاعات و عرف رایج

(۳) پیش نویسی از راهکارهای اجرایی پیشنهادی:

طبعاً، عملی کردن الگوی کلی مدیریت اوقات شبانه روزی، نیازمند سیاست تدریج در اجرا، متناسب با ظرفیت و اقتضانات اقشار مختلف می باشد ؛ لذا مناسب است در سه مرحله کوتاه مدت، میان مدت، و دراز مدت، به اجراء درآید؛ اجرای آزمایشی این طرح ، در سه یا چهار استان با اقتضانات مختلف اقلیمی، نیز می تواند محکی برای نحوه پیاده کردن آن در کل کشور ، قرار گیرد.

اجرای اولیه شجاعانه و هوشمندانه طرح هدفمند کردن یارانه ها، نیز ، با وجود تفاوتها ، از جهاتی ، می تواند تجربه خوبی برای تدبیر و اجرای شجاعانه و هوشمندانه و صبورانه این طرح عظیم و حیاتی ، مورد توجه قرار گیرد؛ در اینجا لازم به تذکر مجدد است که طراحی راهکار اجرایی، خود پروژه عظیم مستقلی است و تذکرات ذیل ، صرفاً در حد پیش نویس ابتدایی است لذا، روشهای اجرایی دیگر، قابل پیشنهاد می باشد که در اجرا، بایستی به آزمون گذارده شود :

۱/۳. کوتاه مدت :

فرهنگ سازی و تبیین الگوی کلی مدیریت زمان و ضرورت حیاتی نهیدینه کردن آن در زندگی ، برای خواص و عموم، و گرفتن باز خور نظرات و پیشنهادات ارزشی و اجرایی ، و ایجاد وفاق ملی بر اساس آن ، طبعاً قدم اول است ؛ و در کنار آن و یا بعد از آن با تشکیل جلساتی چند می توان، نظام ساعات مراکز نخبگان : اتاق های فکر، مراکز تحصیلات تکمیلی، و مسئولان ارشد نظام را بر این اساس در کوتاه مدت ، عملیاتی نمود:

۱/۱/۳. فرهنگ سازی الگوی اسلامی مدیریت زمان ، در رسانه ملی، مراکز آموزشی، سازمانها، خانواده ها و مراکز عمومی

۲/۱/۳. اصلاح نظام ساعات اشتغال بر اساس الگوی اسلامی :

۱/۲/۱/۳. اعضای اتاق های فکر : شورای عالی انقلاب فرهنگی ، مجمع تشخیص مصلحت نظام ، شورای نگهبان ، مجلس شورای اسلامی و...

۲/۲/۱/۳. اساتید دانشگاهها و دانشجویان ارشد و دکترا

۳/۲/۱/۳. مدیران ارشد، مدیران ستادی

۲/۳. میان مدت :

با بستر سازی فرهنگی و ادامه آن ، به همراه اصلاح نظام ساعات نخبگان ، در میان مدت نوبت به بخش کارشناسی و مدیران اجرایی می رسد که می توانند با این نظام هماهنگ شوند :

۱/۲/۳. فرهنگ سازی در رسانه ملی،...

۲/۲/۳. اصلاح نظام ساعات :

۱/۲/۲/۳. کارشناسان و دانشگاهها

۲/۲/۲/۳. مدیران اجرایی

۳/۳. دراز مدت : عموم مراکز دولتی و خصوصی :

با بستر سازی فرهنگی و اجرایی دو مرحله ای گذشته ، طبعا ، نوبت به عملیاتی کردن نظام ساعات در تمام عرصه ها و مراتب اجتماع و نظام خواهد رسید :

۱/۳/۳. مدارس

۲/۳/۳. صدا و سیما و ...

۳/۳/۳. ادارات ، شرکتها ، کارخانجات و کارگاهها

امید آنکه، با درک حکومت محوری جامع نگرانه نظام فقاقت به قرآن و سنت معصومین(ع) ، و علم مناسب به زمان ، و تخصصی شدن ویژه ابواب فقهی ، امر فقاقت ، هرچه توانا تر در خدمت نظام اسلامی ، و بویژه ارائه الگوی اسلامی علوم انسانی و بومی کردن آن ، قرار گیرد.

فهرست منابع :

- قرآن کریم .
- ابن شعبه بحرانی : حسن بن علی ، تحف العقول... ، نشر جامعه مدرسین ، چ ۴ ، ۱۴۱۶ ه.ق. ، قم .
- ابن ابی جمهور: الاحسابی ، غوالی اللنالی ، نشر سید الشهداء، چ ۵ ، ۱۴۰۵ ه.ق. قم.
- ابن فارس : زکریا ، معجم مقانیس اللغة ، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ه.ق. قم.
- رابینز : استیفن پی ، رفتار سازمانی ، ترجمه پارسائیان و اعرابی ، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چ ۱۳۸۵ ، ۱۰ ه.ش. تهران.
- امام خمینی : روح الله ،
- تریسی : برایان ، مدیریت زمان ، ترجمه یلدا بلارک ، نشر بیان، چ ۱۳۸۹ ، ۵ ه.ش. تهران.
- حر عاملی : محمد بن حسن ، تفصیل وسائل الشیعة... ، احیاء التراث العربی ، چ ۵ ، ۱۴۰۳ ه.ق. بیروت.
- حویزی : عبد علی ، نور الثقلین ، نشر اسماعیلیان ، بی جا ، بی تا ، قم.
- راغب اصفهانی : حسین بن محمد ، معجم مفردات الفاظ القرآن ، المکتبة المرتضویة ، بی جا، بی تا، تهران.
- ری شهری : محمد محمدی، میزان الحکمة، مکتبة الاعلام الاسلامیة ، چ ۲ ، ۱۳۶۷ ه.ش. تهران.
- سید رضی : محمد بن حسین ، نهج البلاغة ، دار الهجرة ، چ ۱ ، ۱۴۰۷ ه.ق. ، قم.
- سیوطی : عبد الرحمن ، الدر المنثور... ، دارالفکر ، چ ۲ ، ۱۴۰۹ ه.ق. ، بیروت.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، نشر دوران ، چ ۳۵ ، ۱۳۸۴ ه.ش. تهران.
- کلینی : محمد بن یعقوب ، الکافی ، دار الکتب الاسلامیة ، چ ۱۳۶۳ ، ۵ ه.ش. ، تهران.
- مجلسی ، محمد باقر ، بحار الانوار... ، دار احیاء التراث العربی ، چ ۱۴۰۳ ، ۳ ه.ق. ، بیروت
- مکارم شیرازی : ناصر ، تفسیر نمونه ، دارالکتب الاسلامیة ، ۱۳۶۶ ه.ش. تهران.
- نوری ، میرزا حسین ، مستدرک الوسائل... ، آل البيت لاحیاء التراث ، بی جا ، بی تا ، بیروت.